

تحليل جامعه‌شناختی طلاق در ایران

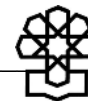
کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۲۰۱۲
آبان‌ماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات اجتماعی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	۱- بررسی فرآیندی طلاق در دهه اخیر
۴	۱-۱- نسبت طلاق به ازدواج در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
۶	۱-۲- نرخ رشد طلاق در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
۷	۱-۳- نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
۱۱	۱-۴- نرخ رشد طلاق در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
۱۳	۱-۵- وضعیت طلاق بر حسب اختلاف سن زوج به زوج در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸
۱۶	۱-۶- وضعیت طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸
۱۸	۲- طلاق از نظر اسلام
۲۰	۳- فراتحلیل برخی مطالعات انجام شده در ایران در دهه اخیر
۲۷	۴- تحولات ساختاری جامعه و برنامه‌های توسعه
۳۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۴	راهکارها
۳۴	منابع و مآخذ



تحلیل جامعه‌شناختی طلاق در ایران

چکیده

بررسی طلاق در دهه اخیر در کشور ما نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج از ۹/۴۵ در سال ۱۳۸۰ به ۱۴/۱۳ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. رشد پدیده مذکور نشان از تبدیل شدن پدیده به یک مسئله اجتماعی دارد. حل مسائل اجتماعی نیز مستلزم شناخت علمی آنهاست. این گزارش درصدد است که با ارائه تصویری از وضعیت طلاق در ایران در دهه اخیر علت‌های اجتماعی آن را شناسایی کرده و تجویزهایی برای کاهش آن ارائه دهد. نتایج حاکی از آن است که نسبت طلاق به ازدواج در کل روندی افزایشی داشته و در کلان‌شهری همانند تهران به ۲۵/۶ درصد رسیده است. در طول دوره مطالعه نیز تهران همواره بالاترین و بعد از آن، استان‌های کرمانشاه، قم و کردستان به ترتیب بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در کشور را تجربه کرده‌اند. در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام که همواره کمترین نسبت طلاق به ازدواج را داشته‌اند نیز نرخ رشد زیاد بوده است. در شهرها نیز گرچه نسبت طلاق به ازدواج بسیار بیشتر از روستاها بوده است، اما نرخ رشد طلاق در روستاها (۱۴/۷۷) بسیار بیشتر از شهرها (۹/۳۹) است. علاوه بر افزایش نرخ و نسبت طلاق به ازدواج، متوسط طول دوره زندگی مشترک زوج‌هایی که طلاق گرفته‌اند، از ۶/۲۶ سال در سال ۱۳۸۵ به ۴/۸۹ در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است. این درحالی است که برای تمام سال‌های مورد مطالعه، نزدیک یک‌سوم طلاق‌ها حاصل حداکثر سه سال زندگی مشترک بوده‌اند. نزدیک به ۱۵ درصد طلاق‌ها نیز مربوط به زوج‌هایی بوده است که حداقل ۱۵ سال زندگی مشترک داشته‌اند. مضاف بر آن هرچه اختلاف سنی زوج‌ها افزایش می‌یابد، نسبت طلاق به ازدواج نیز بیشتر می‌شود. به لحاظ نظری علت طلاق را باید در ناسازگاری زوج‌ها دانست که البته خود می‌تواند ناشی از عوامل و علت‌هایی متفاوتی باشد. ناسازگاری مذکور می‌تواند ناهمسانی‌های زوج‌ها (هم کفو نبودن) از نظر اجتماعی (ناهمسانی در مرتبه اجتماعی که می‌تواند ناشی از قومیت، مذهب، جایگاه در نظام قشربندی، شغل و... باشد)، فرهنگی (تعلق داشتن به خرده‌فرهنگ‌های مختلف و عدم سنخیت فرهنگی، تفاوت‌های ارزشی)، روانی (عدم تناسب زوج‌ها از نظر ویژگی‌های روانی)، فیزیکی (به لحاظ ظاهر فیزیکی زوج‌ها با هم تفاوت داشته باشند و به اصطلاح عامیانه به هم نیابند) بوده و یا دارای علت‌های اقتصادی باشد. البته گاه عدم رضای نیاز جنسی نیز در این زمینه مدخلیت دارد. فراتحلیل برخی مطالعات انجام شده در دهه اخیر نیز نشان

می‌دهد که تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، تحصیلی و سنی، دخالت اطرافیان، برآورده نشدن انتظارات زوجها از یکدیگر و اشتغال زنان مهمترین عواملی هستند که حجم زیادی از طلاق‌ها در ایران را تبیین می‌کند. این درحالی است که براساس برخی مطالعات، نگرش زنان و شیوه مواجهه آنها با پدیده طلاق متفاوت شده است. علاوه بر آن، نتایج برخلاف این انگاره غالب که متغیرهای اقتصادی مهمترین عامل در به‌وجود آوردن طلاق هستند، متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را تعیین‌کننده‌تر می‌داند که توجه به متغیرهای یاد شده نشان می‌دهد که احتمالاً این متغیرها همواره در زندگی زناشویی به نوعی بروز و نمود داشته‌اند، اما کمتر طلاق را دامن می‌زده‌اند، اما امروزه تأثیرگذاری آنها بیشتر شده است.

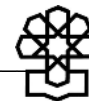
مقدمه

خانواده از جمله کانونی‌ترین نهادهای اجتماعی است که کارکردهای بسیاری برای نظام اجتماعی دارد. به‌زعم بسیاری از جامعه‌شناسان اولین نهاد اجتماعی است که نقش بسیار مهمی در حیات اجتماعی داشته و به لحاظ فردی نیز به اعضای خود احساس آرامش و امنیت می‌دهد. طی قرن‌های متمادی نیز به عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آنها به نسل‌های بعدی عمل کرده است. از همین روست که تشکیل خانواده در همه ادیان به ویژه دین مقدس اسلام از اهمیت والایی برخوردار است و از آن به‌عنوان کانون آسایش و آرامش نام برده شده است.^۱ این نهاد مهم اجتماعی که در فرهنگ اسلامی در هاله‌ای از تقدس نیز قرار دارد در دوره جدید و با ظهور نشانگان دنیای مدرن دچار تحولات و تغییرات بسیاری شده است. در واقع طلاق که به معنای انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر است، گرچه همواره وجود داشته، اما در دوره جدید مهمترین آسیبی است که نهاد خانواده را به چالش کشیده و حتی در بسیاری از کشورها شکل و حتی محتوای آن را تغییر داده است. هم‌اکنون است که عالمان اجتماعی همواره نسبت به آن عطف توجه داده و متولیان جامعه را به تأمل در این باب فراخوانده‌اند.

گرچه گسیختگی در یک خانواده معمولاً می‌تواند به سه شکل؛ فسخ ازدواج، مرگ یکی از زوجین و انحلال خانواده و از بین رفتن پیوند زناشویی به وسیله طلاق زوجین^۲ رخ دهد، اما شکل سوم یعنی طلاق است که هم بعضاً قبح اجتماعی دارد و هم اینکه در بیان علمی به عنوان یک آسیب اجتماعی از آن یاد می‌شود. به لحاظ جامعه‌شناختی آسیب‌های اجتماعی تقریباً در همه جوامع وجود

۱. ولی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۰.

2. Shryock, 1997, P.333.



داشته و حتی حداقلی از آن برای جامعه مثبت است. در واقع آسیب‌های اجتماعی همانند جرم، طلاق و... نوعی هشدار را به جامعه اعلام کرده و وجدان‌های بیدار را گرد هم آورده و نیاز و ضرورت توجه به آنها را گوشزد می‌کند. گذشته از آن درخصوص پدیده طلاق نیز باید اشاره داشت که امکانی است برای تغییر شرایط برخی زوج‌هایی که به هر دلیلی توان و امکان زیر یک سقف زندگی کردن را ندارند. به همین دلیل هم اسلام گرچه طلاق را امری مذموم دانسته ولی اجازه آن را در برخی شرایط، داده است. با وجود این مسئله شدن پدیده‌ای چون طلاق دقیقاً از زمانی آغاز می‌شود که نرخ آن افزایش می‌یابد. به بیان جامعه‌شناختی این پدیده اجتماعی با افزایش نرخ، تبدیل به یک مسئله اجتماعی می‌شود. مسئله‌های اجتماعی نیز ذاتاً و ماهیتاً به دلیل کلان و ساختاری بودن، عمومیت داشتن، فراگیری و پیچیده بودن افراد زیادی را مشغول و درگیر خود می‌کند و مانع از رشد، تعالی و توسعه یک جامعه انسانی می‌شوند.^۱ بنابراین پدیده‌ای اجتماعی چون طلاق هنگامی به عنوان مسئله اجتماعی مطرح می‌شود که نرخ آن در جامعه تا حد زیادی افزایش پیدا کند. بر این مبنا اگر بخواهیم نسبت طلاق به ازدواج دهه ۱۳۷۰ را با دهه اخیر مقایسه کنیم به وضوح شاهد رشد فزاینده نسبت طلاق به ازدواج خواهیم بود. به این معنا که نسبت طلاق به ازدواج در دهه ۱۳۷۰ بین ۶/۳۲ تا ۸/۳۵ نوسان داشته است. با شروع دهه ۱۳۸۰ روند افزایشی سرسام‌آوری به خود می‌گیرد. به طوری که از ۹/۴۵ در سال ۱۳۸۰ به ۱۴/۱۳ در سال ۱۳۸۸ می‌رسد. البته این نسبت متوسط جامعه شهری و روستایی است. در جامعه شهری این نسبت به مراتب بیشتر از جامعه روستایی است، هر چند که در آنجا نیز روند رو به رشد آن هشداردهنده است. این نسبت در کلان‌شهری همانند تهران ۲۵/۶ درصد است. این سخن بدان معناست که در شهری همچون تهران در ازای هر ۱۰۰ ازدواج ۲۵/۶ طلاق رخ داده است. البته این وضعیت فقط مختص تهران نیست. برای مثال شهری سنتی همچون یزد نیز در سال ۱۳۸۸ نسبتی ۳۳/۲ درصدی را تجربه کرده است. نکته قابل تأمل‌تر آنکه یک‌سوم از طلاق‌های اتفاق افتاده حاصل یک دوره زندگی مشترک حداکثر سه‌ساله هستند. مجموعه شواهد یاد شده و شواهدی که به صورت روزمره می‌شنویم و یا می‌بینیم نشان از حاد شدن مسئله طلاق و حتی تبدیل شدن به یک معضل اجتماعی دارد.

پرواضح است که مواجهه علمی و منطقی با پدیده‌های ناخوشایند و آسیب‌زای اجتماعی در گام اول مستلزم علت‌شناسی درست و دقیق آن است. این امر نیز میسر نیست مگر آنکه پژوهش‌هایی دقیق در باب آن انجام شود. در راستای چنین ضرورتی پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا گامی هرچند کوچک در این وادی خطیر بردارد. به همین دلیل در ابتدا تلاش می‌کند که با بررسی و تحلیل فرآیندی پدیده طلاق در دهه اخیر و با ارائه تصویری از وضعیت طلاق در ایران از گذشته تاکنون،

زمینه فهم چرایی آن را به دست دهد. بنابراین در گام اول با استفاده از آمارهای ثبت شده، سعی می‌شود تصویری دقیق از این مسئله ارائه شود، پس از آن دیدگاه اسلام درباره طلاق بررسی خواهد شد، در گام بعد با مرور برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه چرایی واقعیت موجود را با استناد به مطالعات مذکور توضیح دهد و در پایان نیز با استناد به مجموعه آنچه که گفته شد به بحثی دقیق و کارشناسانه در این باب بنشیند و چرایی پدیده مذکور را فهم‌پذیرتر ساخته و راهکارهایی برای مواجهه با آن ارائه دهد.

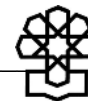
۱. بررسی فرآیندی طلاق در دهه اخیر

در این قسمت تلاش می‌شود تصویری دقیق از ابعاد مسئله ارائه شود. در این راستا نسبت طلاق به ازدواج (تعداد طلاق به ازدواج در یک سال)، نرخ رشد طلاق (درصد افزایش سالیانه آن)، نسبت طلاق به ازدواج بر حسب اختلاف سنی زوج به زوجه (متوسط اختلاف سنی زوجین در هنگام طلاق) و همچنین مدت زمان زندگی مشترک ازدواج‌هایی که به طلاق منجر شده‌اند، بررسی می‌شود.

۱-۱. نسبت طلاق به ازدواج در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

یکی از شاخص‌هایی که در بررسی روند تغییرات طلاق به کار گرفته می‌شود، نسبت طلاق به ازدواج (تعداد طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج) است. همان‌گونه که جدول و نمودار ۱ نشان می‌دهد نسبت طلاق به ازدواج در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ همواره دارای نوسان بوده است، ولی در کل می‌توان گفت که در این دوره نسبت طلاق به ازدواج روندی صعودی داشته است. به طوری که در سال ۱۳۸۰ در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج ۹/۴ طلاق رخ داده است در حالی که همین نسبت در سال ۱۳۸۸ به ۱۴/۱۳ رسیده است. به بیان دیگر در این دوره ۹ ساله نسبت طلاق به ازدواج بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.^۱ اگر به مقایسه نسبت طلاق به ازدواج در مناطق شهری و روستایی بپردازیم به وضوح مشاهده می‌شود که این نسبت در مناطق شهری بالاتر از نسبت آن در کل جمعیت است و این بالا بودن با نرخ پایین نسبت طلاق به ازدواج در مناطق روستایی تا حدی تعدیل یافته است. به گونه‌ای که می‌توان گفت نسبت طلاق به ازدواج در مناطق شهری در این سال‌ها همواره بیش از دو برابر مناطق روستایی بوده است. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آن است که نسبت طلاق به ازدواج هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی همانند نسبت کل هرچند نوسان داشته، ولی در طول سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ به‌طور کلی افزایش داشته است. کمترین نسبت در

۱. کمترین نسبت طلاق به ازدواج در این دوره مربوط به سال ۱۳۸۰ با ۹/۴ و بیشترین نسبت مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۴/۱۳ است.



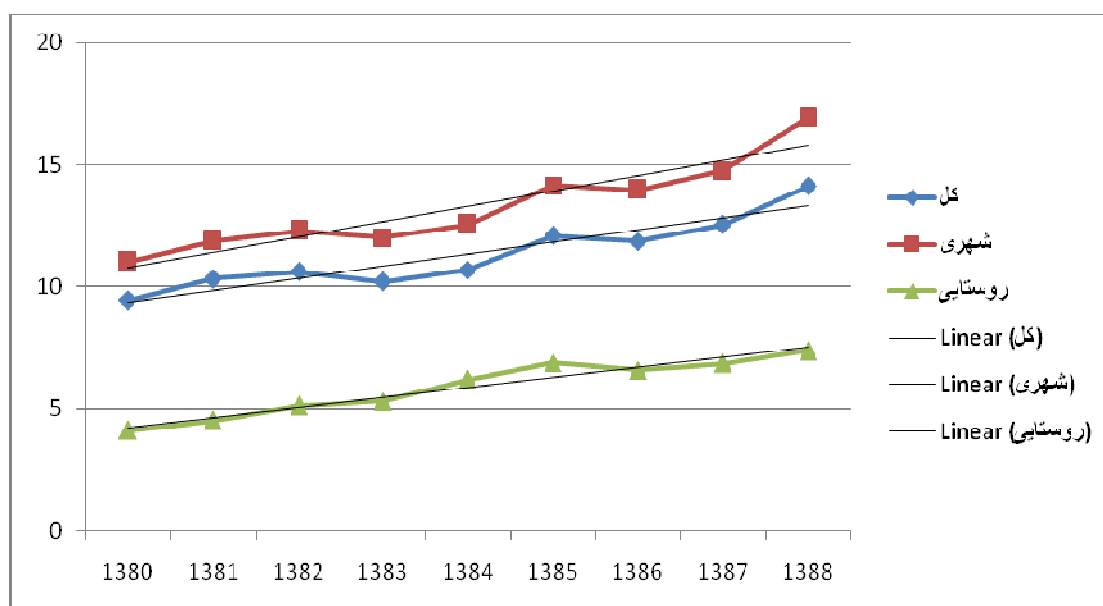
مناطق شهری مربوط به سال ۱۳۸۰ با ۱۱/۰۲ و بیشترین نسبت مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۶/۹۲ بوده است. در مناطق روستایی نیز کمترین نسبت مربوط به سال ۱۳۸۰ با ۴/۱۱ و بیشترین نسبت مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۷/۳۸ بوده است.

جدول ۱. نسبت طلاق به ازدواج کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

سال	کل		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق
۱۳۸۰	۶۴۰۷۱۰	۶۰۵۵۹	۴۹۵۶۲۹	۵۴۶۰۳	۱۴۵۰۸۱	۵۹۵۶
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۵۱۳۷۷۲	۶۱۰۷۴	۱۳۷۱۸۸	۶۱۸۲
۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹	۵۲۲۱۶۰	۶۴۲۱۳	۱۵۸۸۷۴	۸۱۴۶
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲	۵۲۷۳۳۷	۶۳۳۰۶	۱۹۶۶۳۹	۱۰۴۷۶
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۲۴۳	۵۵۸۵۸۲	۷۰۰۲۳	۲۲۹۲۳۶	۱۴۲۱۸
۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۵۵۶۶۵۸	۷۸۸۰۱	۲۲۱۳۶۵	۱۵۲۳۹
۱۳۸۶	۸۴۱۱۰۷	۹۹۸۵۲	۶۰۲۳۰۹	۸۴۱۲۰	۲۳۸۷۹۸	۱۵۷۲۳
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۱۱۰۵۱۰	۶۳۳۱۷۹	۹۳۴۹۶	۲۴۸۴۱۳	۱۷۰۱۴
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱۲۵۷۴۷	۶۲۹۸۹۳	۱۰۶۵۴۸	۲۶۰۳۱۵	۱۹۱۹۹

مأخذ: سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸.

نمودار ۱. نسبت طلاق به ازدواج کل کشور، به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ (تعداد طلاق به‌ازای هر ۱۰۰ ازدواج)



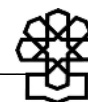
۱-۲. نرخ رشد طلاق در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

از آنجایی که نسبت طلاق به ازدواج به تنهایی نمی‌تواند همه ابعاد مسئله را نشان دهد ضرورت دارد که نرخ رشد آن نیز بررسی شود. اهمیت نرخ رشد به این دلیل است که شدت و سرعت تحولات طلاق را نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول و نمودار ۲ نشان می‌دهد نرخ رشد طلاق در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ نوسان زیادی داشته است. کمترین میزان نرخ رشد طلاق مربوط به سال ۱۳۸۳ با ۲/۱۰ درصد و بیشترین میزان مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۳/۷۹ درصد بوده است. نرخ رشد طلاق در مناطق شهری نزدیک به نرخ رشد کل کشور بوده است. کمترین میزان مربوط به سال ۱۳۸۳ با ۱/۲۶- (این سال به‌طور استثنای دارای نرخ رشد منفی بوده است) و بیشترین میزان مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۳/۹۶ درصد بوده است. در مناطق روستایی نرخ رشد طلاق در مقایسه با نرخ رشد کل و نرخ رشد مناطق شهری دارای نوسان بیشتری بوده و در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ نرخ رشد زیادی داشته است. سال ۱۳۸۰ با ۱/۶۲ درصد دارای کمترین میزان و سال ۱۳۸۴ با ۳۵/۷۸ درصد دارای بیشترین نرخ رشد بوده است. در کل متوسط نرخ رشد طلاق در جامعه شهری ۹/۳۹ درصد، جامعه روستایی ۱۴/۷۷ درصد و متوسط نرخ رشد کل کشور ۹/۹۶ درصد است. مقایسه نرخ رشد جامعه شهری با جامعه روستایی نشان از شدت افزایش نرخ رشد طلاق در جامعه روستایی دارد. این سخن بدان معناست که گرچه نسبت طلاق به ازدواج در شهرها به مراتب بیشتر از روستاهاست، اما سرعت رشد طلاق در روستاها بسیار بیشتر از شهرهاست. بنابراین نسبت پایین طلاق در روستاها نباید موجب نادیده گرفتن عمق مسئله در روستاها شود.

جدول ۲. نرخ رشد طلاق کل کشور، به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

سال	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق
۱۳۸۰	۶۴۰۷۱۰	۶۰۵۵۹	۱۲/۵۷	۴۹۵۶۲۹	۵۴۶۰۳	۱۳/۹۱	۱۴۵۰۸۱	۵۹۵۶	۱/۶۲
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۱/۰۶	۵۱۳۷۷۲	۶۱۰۷۴	۱۱/۸۵	۱۳۷۱۸۸	۶۱۸۲	۳/۷۹
۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹	۷/۵۹	۵۲۲۱۶۰	۶۴۲۱۳	۵/۱۴	۱۵۸۸۷۴	۸۱۴۶	۳۱/۷۷
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲	۲/۱۰	۵۲۷۳۳۷	۶۳۳۰۶	-۱/۲۶	۱۹۶۶۳۹	۱۰۷۴۱	۲۸/۵۴
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۲۴۱	۱۴/۰۲	۵۵۸۵۸۲	۷۰۰۲۳	۱۰/۴۴	۲۲۹۲۳۶	۱۴۲۱۸	۳۵/۷۸
۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۱۱/۶۳	۵۵۶۶۵۸	۷۸۸۰۱	۱۲/۵۴	۲۲۱۳۶۵	۱۵۲۳۹	۷/۱۸

$$۱. \text{ (نرخ رشد طلاق)} = \frac{\text{طلاق سال قبل} - \text{طلاق هر سال}}{\text{طلاق سال قبل}} \times 100$$



سال	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق	ازدواج	طلاق	نرخ رشد طلاق
۱۳۸۶	۸۴۱۱۰۷	۹۹۸۴۳	۶/۱۸	۶۰۲۳۰۹	۸۴۱۲۰	۶/۷۵	۲۳۸۷۹۸	۱۵۷۲۳	۳/۱۸
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۱۱۰۵۱۰	۱۰/۶۷	۶۳۳۱۷۹	۹۳۴۹۶	۱۱/۱۵	۲۴۸۴۱۳	۱۷۰۱۴	۸/۲۱
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱۲۵۷۴۷	۱۳/۷۹	۶۲۹۸۹۳	۱۰۶۵۴۸	۱۳/۹۶	۲۶۰۳۱۵	۱۹۱۹۹	۱۲/۸۴
متوسط رشد	۹/۹۶			۹/۳۹			۱۴/۷۷		

مأخذ: همان.

نمودار ۲. نرخ رشد طلاق کل کشور، به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

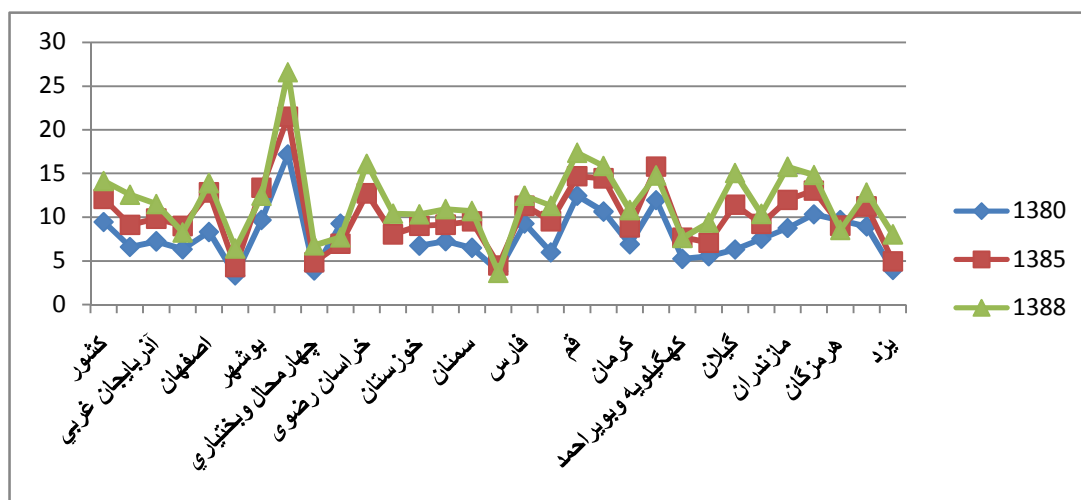


۳-۱. نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

برای آنکه درک بهتری از پراکنش نسبت طلاق به ازدواج و همچنین نرخ رشد آن داشته باشیم، در این قسمت نسبت و نرخ یاد شده را در استان‌های مختلف بررسی کرده‌ایم. همان‌طور که در جدول و نمودار ۳ نشان داده شده است، نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور مانند نسبت کل کشور، روندی افزایشی داشته است. هرچند که این نسبت در استان‌های مختلف متفاوت است، اما نکته قابل ذکر در نسبت طلاق به ازدواج این است در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ همواره برخی از استان‌ها بیشترین نسبت‌ها را و برخی کمترین نسبت‌ها را به خود اختصاص داده و در رتبه‌های پایانی این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند. در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ همواره استان تهران در رتبه

اول در کشور قرار داشته است و دارای بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در کشور بوده است. این نسبت برای استان تهران در سال ۱۳۸۰، ۱۷/۱۸ بوده است که با روند صعودی خود به ۲۶/۵۸ در سال ۱۳۸۸ رسیده است. بعد از استان تهران، استان‌های کرمانشاه، قم^۱ و کردستان نیز در طول این سال‌ها به ترتیب بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در کشور را تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام همواره کمترین نسبت طلاق به ازدواج را در کشور داشته‌اند. به‌طور مثال در سال ۱۳۸۸ استان سیستان و بلوچستان با ۲/۶۳ طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج کمترین نسبت طلاق به ازدواج را در بین استان‌های کشور داشته است. با وجود این همان‌طور که در مبحث بعدی مطرح می‌شود این استان‌ها نیز در این سال‌ها با وجود اینکه نسبت طلاق به ازدواج کمتری داشته‌اند، ولی نرخ رشد زیادی را تجربه کرده‌اند. برای مثال در سال ۱۳۸۱ استان ایلام با ۹۲/۶۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۸۰ بیشترین نرخ رشد طلاق در کشور را داشته است و استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های بعدی بیشترین نرخ رشد طلاق قرار دارند.

نمودار ۳. نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور مقایسه سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸



۱. احتمالاً بالا بودن نسبت طلاق به ازدواج در استان‌هایی همچون قم و خراسان رضوی ناشی از مهاجرپذیری این دو استان باشد. شهرهای مهاجرپذیر به دلیل اینکه مهاجران ترکیب جمعیتی را به هم می‌زنند و ازسوی دیگر بر ناهمگونی‌های فرهنگی می‌افزایند، امکان بروز آسیب‌های اجتماعی را تشدید می‌کند. خصوصاً در فضای امروزی که به دلیل گسترش تعاملات، امکان ازدواج‌هایی که زوج‌ها از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت باشند بیشتر شده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، استان خراسان رضوی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ با پذیرا شدن ۶/۴ درصد از مهاجران رتبه دوم را بعد از تهران و استان قم ۲/۵۳ درصد از مهاجران رتبه دوازدهم را دارا بوده است. اگر نسبت خالص مهاجرت به جمعیت استان را در نظر بگیریم رتبه خراسان شمالی به رتبه دهم با مقدار ۰/۵۵ درصد افزایش می‌یابد و قم رتبه چهارم را با ۲/۲۴ درصد کسب می‌کند. رجوع شود به گزارش دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران با عنوان مهاجرت‌های دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵.

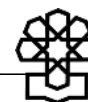


جدول ۳. نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

استان	رتبه	۱۳۸۰	رتبه	۱۳۸۱	رتبه	۱۳۸۲	رتبه	۱۳۸۳	رتبه	۱۳۸۴	رتبه	۱۳۸۵	رتبه	۱۳۸۶	رتبه	۱۳۸۷	رتبه	۱۳۸۸	رتبه
کشور	-	۹/۴۵	-	۱۰/۳۳	-	۱۰/۶۲	-	۱۰/۲۱	-	۱۰/۷	-	۱۲/۰۹	-	۱۱/۸۷	-	۱۲/۵۴	-	۱۴/۱۳	-
آذربایجان شرقی	۱۸	۶/۵۸	۱۵	۸/۰۶	۱۵	۸/۱۸	۱۵	۸/۶۱	۱۲	۷/۹۷	۲۰	۹/۱۳	۱۸	۹/۲۸	۱۶	۱۰/۳۷	۱۴	۱۲/۵۷	۱۱
آذربایجان غربی	۱۵	۷/۲۳	۱۲	۹/۱۵	۱۲	۷/۸۵	۱۷	۸/۰۲	۱۸	۸/۸۶	۱۴	۹/۸۴	۱۳	۹/۷۱	۱۳	۱۰/۲۰	۱۵	۱۱/۵۰	۱۴
اردبیل	۲۰	۶/۳۲	۲۱	۶/۷۷	۲۱	۷/۰۱	۲۱	۶/۹۰	۲۱	۷/۶۱	۲۱	۹/۰۰	۲۱	۸/۰۲	۲۲	۸/۲۶	۲۳	۸/۲۶	۲۴
اصفهان	۱۲	۸/۳۰	۹	۹/۷۳	۹	۱۳/۳۳	۲	۱۰/۷۴	۶	۱۰/۳۴	۱۰	۱۲/۸۴	۷	۱۱/۲۰	۱۰	۱۱/۶۳	۹	۱۳/۹۰	۹
ایلام	۲۸	۳/۳۳	۲۵	۵/۴۴	۲۵	۳/۸۸	۲۷	۳/۴۸	۳۰	۴/۰۵	۳۰	۴/۳۱	۳۰	۴/۳۸	۲۹	۵/۷۵	۲۸	۶/۴۲	۲۹
بوشهر	۶	۹/۶۸	۸	۱۰/۰۴	۸	۱۰/۲۲	۸	۱۰/۴۱	۸	۱۱/۴۸	۶	۱۳/۳۷	۵	۱۱/۲۴	۹	۱۰/۸۵	۱۱	۱۲/۴۵	۱۳
تهران	۱	۱۷/۱۸	۱	۱۷/۹۳	۱	۱۸/۲۱	۱	۱۷/۳۹	۱	۱۸/۹۷	۱	۲۱/۴۷	۱	۲۱/۹۳	۱	۲۳/۰۰	۱	۲۶/۵۸	۱
چهارمحال و بختیاری	۲۶	۳/۹۰	۲۸	۴/۳۰	۲۸	۳/۷۹	۲۸	۴/۴۴	۲۹	۴/۶۰	۲۹	۴/۸۴	۲۸	۴/۶۰	۲۸	۵/۰۳	۳۰	۶/۷۹	۲۸
خراسان جنوبی																			
خراسان رضوی	۸	۹/۲۷	۶	۱۰/۲۸	۷	۱۰/۶۹	۷	۱۰/۶۱	۷	۱۰/۹۶	۷	۱۲/۷۲	۸	۱۳/۹۷	۴	۱۴/۱۸	۵	۱۶/۱۰	۳
خراسان شمالی																			
خوزستان	۱۷	۶/۷۴	۱۴	۸/۵۲	۱۴	۹/۱۹	۱۰	۷/۹۰	۱۹	۷/۱۷	۲۳	۹/۰۱	۲۰	۸/۰۶	۲۰	۹/۴۷	۱۹	۱۰/۳۳	۲۱
زنجان	۱۴	۷/۲۴	۱۶	۷/۸۹	۱۶	۶/۷۶	۲۲	۷/۶۸	۲۰	۸/۳۷	۱۷	۹/۱۴	۱۷	۹/۱۱	۱۸	۹/۵۹	۱۷	۱۰/۹۳	۱۶
سمنان	۱۹	۶/۴۹	۲۰	۶/۸۹	۲۰	۷/۴۰	۱۹	۸/۴۳	۱۴	۸/۷۷	۱۵	۹/۵۳	۱۵	۹/۰۵	۱۹	۹/۷۳	۱۶	۱۰/۷۱	۱۸
سیستان و بلوچستان	۲۷	۳/۷۹	۲۶	۴/۶۰	۲۶	۴/۰۱	۲۶	۴/۵۹	۲۸	۴/۶۵	۲۸	۴/۴۸	۲۹	۴/۰۳	۳۰	۵/۲۰	۲۹	۳/۶۳	۳۰
فارس	۹	۹/۲۷	۹	۹/۵۴	۱۰	۱۰/۲	۹	۱۰/۳۲	۹	۱۰/۷۵	۸	۱۱/۳۰	۱۱	۱۱/۵۳	۸	۱۰/۶۶	۱۲	۱۲/۴۶	۱۲
قزوین	۲۲	۵/۹۶	۲۳	۶/۵۴	۲۳	۷/۰۵	۲۰	۸/۰۷	۱۷	۸/۳۲	۱۸	۹/۵۵	۱۴	۹/۲۸	۱۷	۱۰/۵۰	۱۳	۱۱/۳۰	۱۵
قم	۲	۱۲/۴۵	۳	۱۳/۰۷	۳	۱۳/۱۷	۳	۱۲/۵۵	۳	۱۲/۸۱	۵	۱۴/۶۹	۳	۱۳/۱۱	۵	۱۴/۹۵	۴	۱۷/۳۷	۲
کردستان	۴	۱۰/۶۴	۴	۱۰/۶۹	۴	۱۰/۸۸	۶	۱۱/۷۱	۴	۱۲/۸۴	۴	۱۴/۴۴	۴	۱۴/۱۳	۳	۱۵/۱۶	۳	۱۵/۸۶	۴

رتبه	۱۳۸۸	رتبه	۱۳۸۷	رتبه	۱۳۸۶	رتبه	۱۳۸۵	رتبه	۱۳۸۴	رتبه	۱۳۸۳	رتبه	۱۳۸۲	رتبه	۱۳۸۱	رتبه	۱۳۸۰	استان
۱۷	۱۰/۸۲	۱۸	۹/۵۸	۱۵	۹/۴۴	۲۲	۸/۸۴	۱۹	۸/۱۹	۲۲	۶/۶۳	۱۶	۷/۸۷	۱۸	۷/۳۵	۱۶	۶/۹۰	کرمان
۸	۱۴/۷۸	۲	۱۵/۳۱	۲	۱۵/۶۸	۲	۱۵/۷۷	۲	۱۴/۷۶	۲	۱۳/۲۶	۴	۱۲/۷۷	۲	۱۳/۳۵	۳	۱۱/۹۴	کرمانشاه
۲۷	۷/۶۱	۲۵	۷/۶۱	۲۳	۷/۶۷	۲۴	۷/۶۷	۲۴	۶/۹۲	۲۵	۶/۱۷	۲۳	۶/۳۸	۲۲	۶/۷۰	۲۴	۵/۲۲	کهگیلویه و بویراحمد
۲۲	۹/۳۹	۲۴	۷/۷۸	۲۵	۷/۱۳	۲۵	۷/۰۹	۲۶	۵/۶۶	۲۶	۵/۵۹	۲۴	۵/۶۸	۲۴	۶/۱۰	۲۳	۵/۵۲	گلستان
۶	۱۵/۰۶	۸	۱۱/۹۱	۱۱	۱۰/۹۴	۱۰	۱۱/۴۳	۱۳	۹/۰۷	۱۳	۸/۴۷	۱۸	۷/۴۶	۱۹	۷/۳۳	۲۱	۶/۳۰	گیلان
۲۰	۱۰/۳۸	۲۰	۹/۱۳	۱۴	۹/۵۹	۱۶	۹/۲۳	۱۶	۸/۴۱	۱۵	۸/۴۲	۱۴	۸/۲۴	۱۷	۷/۵۳	۱۳	۷/۵۲	لرستان
۵	۱۵/۷۶	۶	۱۳/۳	۶	۱۱/۷۵	۹	۱۱/۹۷	۹	۱۰/۳۸	۱۱	۸/۸۰	۱۱	۹/۱۵	۱۳	۹/۰۹	۱۱	۸/۷۵	مازندران
۷	۱۴/۸۳	۷	۱۲/۹۸	۷	۱۱/۷۱	۶	۱۳/۰۴	۳	۱۲/۸۶	۵	۱۱/۵	۵	۱۱/۰۱	۵	۱۰/۴۰	۵	۱۰/۳۳	مرکزی
۲۳	۸/۵۵	۲۱	۸/۴۸	۲۶	۷/۰۴	۱۹	۹/۰۴	۱۲	۹/۱۶	۱۶	۸/۳۰	۱۲	۸/۸۱	۷	۱۰/۲۸	۷	۹/۶۵	هرمزگان
۱۰	۱۲/۸۲	۱۰	۱۱/۲۶	۱۲	۱۰/۵۰	۱۲	۱۱/۲۳	۱۱	۹/۹۷	۱۰	۹/۴۴	۱۳	۸/۷۴	۱۱	۹/۲۰	۱۰	۸/۹۴	همدان
۲۵	۸/۰۴	۲۷	۶/۱۱	۲۷	۵/۴۴	۲۷	۴/۹۷	۲۷	۵/۰۷	۲۷	۴/۶۴	۲۵	۴/۷۸	۲۷	۴/۵۷	۲۵	۳/۹۵	یزد

مأخذ: همان.



۴-۱. نرخ رشد طلاق در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

جدول و نمودار ۴ نرخ رشد طلاق را در استان‌های کشور نشان می‌دهد. این نرخ در استان‌ها نوسان زیادی داشته است. در سال ۱۳۸۱ استان ایلام با ۹۲/۶۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۸۰ بیشترین نرخ رشد طلاق را داشته است. استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در حالی که استان سمنان با ۰/۲۳- دارای کمترین نرخ رشد یا به اصطلاح دارای رشد منفی بوده است. در سال ۱۳۸۲ استان اصفهان با ۴۴/۱۸ درصد بیشترین نرخ رشد نسبت به سال ۱۳۸۱ و استان ایلام ۲۲/۱۳- کمترین نرخ رشد را در بین استان‌های کشور داشته است. در سال ۱۳۸۳ استان چهارمحال و بختیاری با ۳۸/۴۹ دارای بیشترین نرخ رشد طلاق نسبت به سال قبل بوده در حالی که استان اصفهان با ۱۷/۳۸- دارای کمترین نرخ رشد بوده است. در سال ۱۳۸۴ استان هرمزگان با ۳۳/۱۰- دارای بیشترین نرخ رشد طلاق و استان آذربایجان شرقی با ۱/۲۶- دارای کمترین نرخ رشد بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵ استان گیلان با ۲۳/۲۴ درصد نرخ رشد طلاق، دارای بیشترین مقدار رشد و استان یزد با ۱-/۷۳ دارای کمترین مقدار رشد بوده‌اند. در سال ۱۳۸۶ استان ایلام با ۱۷/۴۷ دارای بیشترین نرخ رشد طلاق در کشور و استان قم ۷/۴۲- دارای کمترین نرخ رشد طلاق بوده‌اند. در سال ۱۳۸۷ استان ایلام با ۳۶/۰۶ درصد نرخ رشد دارای بیشترین میزان نرخ رشد طلاق در کشور و استان بوشهر با ۱-/۵۴ دارای کمترین مقدار رشد طلاق بوده‌اند. بالاخره در سال ۱۳۸۸ استان یزد با ۳۳/۲۰ دارای بیشترین میزان نرخ رشد طلاق و استان قزوین با ۲/۲۱ دارای کمترین نرخ رشد طلاق در کشور بوده‌اند. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۳۸۸ هیچ یک از استان‌های کشور دارای نرخ رشد طلاق منفی نسبت به سال قبل نبوده‌اند و همه استان‌های کشور نرخ رشد مثبت را تجربه کرده‌اند. در کل در دوره مورد مطالعه متوسط نرخ رشد طلاق ۹/۶۳ بوده است. بیشترین نرخ رشد متوسط در دوره مورد مطالعه مربوط به استان‌های ایلام (۲۶/۶۷)، چهارمحال و بختیاری (۱۹/۶۴)، اصفهان (۱۷/۷۶)، و یزد (۱۵/۷۱) و کمترین نرخ رشد متوسط مربوط به استان‌های کرمانشاه (۶/۱۵)، و همدان (۷/۷۹) است. همان‌طور که ملاحظه شد علی‌رغم اینکه برخی استان‌ها همانند چهارمحال و بختیاری و ایلام که نسبت طلاق به ازدواج در آنها کمتر از بقیه استان‌ها بوده است، اما هر دو بالاترین نرخ رشد را داشته‌اند. به طوری که در استان ایلام در دوره مورد مطالعه به طور متوسط سالیانه نرخ طلاق حدود یک‌سوم افزایش یافته است. در استان چهارمحال و بختیاری نیز سالیانه به طور متوسط حدود یک‌پنجم به طلاق‌ها افزوده شده است. این وضعیت حتی در مورد سیستان و بلوچستان نیز صادق است. در این استان نیز گرچه نسبت طلاق به ازدواج به طور متوسط ۴/۴۳ است، اما نرخ رشد آن به طور متوسط ۱۵/۶۳ است.

جدول ۴. نرخ رشد طلاق در استان‌های کشور سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

استان	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	متوسط رشد
کشور	۱۱/۰۶	۷/۵۹	۲/۱۰	۱۴/۰۲	۱۱/۶۳	۶/۱۸	۱۰/۶۷	۱۳/۷۹	۹/۶۳
آذربایجان شرقی	۱۹/۰۷	۸/۲۷	۱۲/۲۲	۱/۲۶-	۱۴/۱۹	۹/۰۵	۱۷/۳۲	۱۸/۰۵	۱۲/۴۳
آذربایجان غربی	۲۴/۳۱	۵/۱۹-	۷/۷۷	۲۱/۹۲	۱۳/۳۵	۸/۷۸	۸/۹۸	۱۱/۲۱	۱۲/۶۹
اردبیل	۹/۲۸	۸/۹۲	۴/۲۹	۱۷/۰۱	۱۵/۸۱	-۵/۹۳	۱۰/۹۲	۶/۰۱	۹/۷۷
اصفهان	۱۹/۰۱	۴۴/۱۸	۱۷/۳۸-	۵/۴۴	۲۳/۰۸	-۶/۹۶	۱۲/۸۵	۱۳/۲	۱۷/۷۶
ایلام	۹۲/۶۲	-۲۲/۱۳	۲/۷۳-	۲۳/۰۳	۴/۵۷	۱۷/۴۷	۳۶/۰۶	۱۴/۷۵	۲۶/۶۷
بوشهر	۸/۰۲	۸/۷۹	۸/۳	۱۸/۷	۱۴/۳۴	-۴/۳۳	-۱/۵۴	۷/۸۹	۸/۹۹
تهران	۷/۲۷	۱۰۵/	۲/۲۱-	۱۳/۶۲	۹/۶۷	۸/۸۵	۹/۶۱	۱۶/۵۵	۹/۱۱
چهارمحال و بختیاری	۱۶/۳۴	-۱۸/۲۶	۳۸/۴۹	۲۲/۵۸	۱/۸۲	۹/۵۴	۱۸/۱۵	۳۱/۹۵	۱۹/۶۴
خراسان جنوبی*	-	-	-	۲۳/۰۴	۱۴/۹۸	۹/۷۷	۳/۱۴	۳/۲۱	۱۰/۸۲
خراسان رضوی	۳۰۱۰/	۳۰۳/	۱۱/۸۸-	۱۵/۴۵	۱۳/۶۸	۱۵/۸۴	۶/۶۴	۱۰/۳۶	۱۰/۹۳
خراسان شمالی	-	-	-	۱۶/۳۵	۲۰/۸	۶۰۱۰/	۶/۹۱	۱۹/۰۰	۱۴/۷۳
خوزستان	۳۴/۰۲	۱۴/۱۲	۵/۱۳-	۱۲/۲۹	۱۲/۴۹	-۳/۴۱	۲۲/۱۸	۱۵/۷۳	۱۴/۹۲
زنجان	۶/۵۹	۳/۲۸-	۱۴/۳۶	۳۰۱۵/	۱۰/۵	۹/۳۲	۱۱/۷۲	۱۲/۹۱	۱۰/۵۰
سمنان	۰/۲۳-	۲۰۷/	۱۰/۷۵	۹/۲۲	۱۵/۱۱	۶/۳۷	۱۰/۵۳	۸/۳۷	۸/۴۷
سیستان و بلوچستان	۲۶/۲۴	۰/۳۶	۱۶/۶۱	۲۸/۶۴	۵/۸۳	۱۷/۴۴	۲۲/۴۱	۷/۵۱	۱۵/۶۳
فارس	۲/۳۷	۱۴/۱۶	۹/۰۷	۱۳/۴۶	۷/۳۸	۱۰/۶۸	۳/۵۵	۱۷/۳۲	۹/۷۵
قزوین	۹/۵۲	۱۱/۹۶	۱۶/۵	۱۱/۵۶	۱۲/۱۴	۴/۲۵	۲۲/۶۸	۲/۲۱	۱۱/۳۵
قم	۱۰/۷۹	۱/۸۶	۶/۴۲	۷/۹۶	۱۲/۹۶	-۷/۴۲	۱۷/۰۷	۱۱/۴۲	۹/۴۹
کردستان	۱۵/۴۳	۷/۰۹	۱۱/۳۴	۱۳/۹۴	۹/۵	۸/۵۲	۱۳/۶۴	۳/۷۴	۱۰/۴۰
کرمان	۶/۳۴	۵۰۸/	۳/۷۵	۲۷/۶۲	۱۱/۲۱	۱۰/۶۹	۰/۰۷-	۱۲/۲	۱۰/۰۵
کرمانشاه	۱۲/۴۲	۲/۰۵	۵/۵۵	۱۴/۶۱	۸/۴۱	۲/۹۲	۱/۷۲	۱/۵۲	۶/۱۵
کهگیلویه و بویراحمد	۳۴/۹۶	۱۱/۱۴	۱/۰۸	۲۵/۷۴	۱۴/۹۳	۱۱/۳۲	۵۰۸/	۳/۸۴	۱۳/۹۴
گلستان	۱۴/۶۵	۳/۶۲	۸/۱۲	۱۴/۰۷	۲۴/۹۲	۸/۱۴	۱۱/۶۶	۲۷/۲۴	۱۴/۰۵
گیلان	۱۴/۶۸	۵/۷۳	۱۱/۶۷	۱۱/۴۱	۲۳/۲۴	۰/۷۶-	۱۶/۹۳	۲۵/۴۲	۱۳/۷۳
لرستان	۲/۰۶	۱۲/۴۲	۵/۳۹	۱۴/۶۵	۴/۵۲	۱۱/۹۶	۵/۷۹	۱۳/۳۵	۸/۷۷
مازندران	۵/۵۹	۶/۸۹	۴/۹۱	۱۹/۵۵	۹/۸۳	۴/۵۱	۲۰/۵۶	۹/۱۶	۱۰/۱۳
مرکزی	۷/۳۲	۴/۵۲	۵/۷۵	۱۶/۰۰	-۰/۲۱	۴/۴۳-	۱۴/۶۹	۱۵/۴۵	۸/۵۵
هرمزگان	۴/۷۸	۶/۰۸-	۱۵/۵۹	۳۳/۱	۳/۳	۵/۸۷-	۱۰/۹۴	۸/۶۸	۱۱/۰۴
همدان	۵/۳۸	۰/۲۳-	۱۰/۷۵	۱۲/۳۳	۱۰/۶۱	۲/۰۳	۲۰۹/	۱۱/۷۶	۷/۷۹
یزد	۱۵/۴۳	۳/۲۲	۱۶/۵۵	۱۹/۱۴	-۱/۷۳	۱۶/۵۲	۱۹/۹۱	۲۰۳۳/	۱۵/۷۱

مأخذ: همان.

* به دلیل اینکه استان خراسان در سال ۱۳۸۴ به سه استان تقسیم شده است، استان‌های خراسان شمالی، جنوبی برای سال‌های قبل ۱۳۸۴ فاقد داده هستند و داده‌ها برای سال‌های یاد شده در مقابل استان خراسان رضوی آمده است، اما در اصل مربوط به مجموع سه استان مذکور است.

سنی زوجه به زوج شدیدتر هم می‌شود. به طوری که این نسبت برای اختلاف بالای ۱۱ سال به حدود ۳۰ درصد می‌رسد. هر چند که با افزایش بیشتر از نرخ آن کاسته می‌شود. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که هرچه اختلاف سنی افزایش می‌یابد، نسبت طلاق به ازدواج نیز افزایش می‌یابد. یادآور می‌شود که افزایش نسبت طلاق به ازدواج در فاصله‌های سنی بالا احتمالاً ناشی از نرخ رشد اندک ازدواج‌های با فاصله سنی بالا و ثابت بودن و یا افزایش داشتن نرخ رشد طلاق در فاصله‌های سنی مذکور است.

جدول ۵. تعداد ازدواج و طلاق بر حسب تفاوت سن زوج به زوجه در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

۱۳۸۸		۱۳۸۷		۱۳۸۶		۱۳۸۵		۱۳۸۴		اختلاف سن
ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	
۲۶۳۱	۱۲۰۴۶	۲۴۴۳	۱۱۰۹۱	۲۲۰۴	۱۱۲۸۸	۲۲۶۰	۱۰۶۹۶	۲۱۴۷	۱۱۸۲۹	بیش از ۲۰ سال
۲۲۶۹	۱۱۱۰۱	۲۰۹۷	۱۰۱۶۳	۱۹۷۵	۹۸۸۰	۱۹۵۹	۹۳۴۴	۱۷۸۰	۱۰۰۱۷	۱۶-۲۰
۸۳۲۶	۴۵۲۷۵	۷۷۱۹	۴۴۲۶۰	۶۹۲۴	۴۲۸۸۸	۶۱۶۶	۴۰۴۴۴	۶۲۳۸	۴۲۴۴۳	۱۵-۱۱
۳۹۹۹	۲۳۸۱۰	۳۵۲۵	۲۳۳۶۹	۳۱۰۱	۲۲۱۹۰	۳۱۷۳	۲۰۸۰۵	۲۸۲۹	۲۲۰۰۷	۱۰
۵۱۵۵	۳۲۵۲۸	۴۵۸۲	۳۲۶۸۰	۴۱۷۹	۳۰۷۳۰	۴۰۴۸	۲۹۱۷۸	۳۵۲۱	۲۹۶۵۱	۹
۶۴۹۰	۴۳۳۹۵	۵۶۹۶	۴۲۹۴۲	۵۲۳۰	۴۱۳۶۵	۵۱۴۶	۳۸۳۶۱	۴۵۳۴	۳۹۵۸۱	۸
۸۲۲۴	۵۵۵۵۹	۷۱۷۸	۵۴۶۳۵	۶۴۷۵	۵۳۲۸۶	۶۱۳۸	۴۹۲۲۰	۵۴۸۷	۵۰۲۳۹	۷
۹۴۲۸	۶۶۲۳۶	۸۲۵۴	۶۶۲۷۲	۷۴۳۳	۶۲۸۵۷	۷۱۳۷	۵۹۷۵۸	۶۳۸۸	۶۰۹۰۶	۶
۱۰۴۳۷	۷۵۵۲۴	۹۰۸۶	۷۵۷۱۳	۸۳۴۵	۷۳۰۲۷	۷۶۷۴	۶۷۷۶۰	۷۲۲۰	۶۸۸۷۹	۵
۱۰۸۵۷	۸۱۳۲۶	۹۶۳۰	۸۱۹۱۱	۸۸۰۱	۷۸۲۲۱	۸۱۴۳	۷۳۰۰۳	۷۲۳۷	۷۴۲۴۳	۴
۱۱۰۷۳	۸۳۵۳۴	۹۶۱۵	۸۴۰۵۴	۸۴۷۱	۸۰۳۱۳	۷۹۱۷	۷۴۴۰۳	۷۱۵۹	۷۵۳۰۷	۳
۱۰۱۸۶	۸۱۴۸۴	۸۹۷۱	۸۰۳۹۸	۷۸۹۲	۷۶۹۵۸	۷۳۲۶	۷۰۹۸۶	۶۵۷۰	۷۱۳۶۲	۲
۹۲۳۷	۷۳۵۸۳	۷۸۷۲	۷۳۰۰۷	۷۱۲۵	۶۹۲۴۸	۶۴۰۴	۶۳۷۰۶	۵۶۸۸	۶۳۶۲۶	۱
۱۲۹۷۶	۱۰۸۸۹۰	۱۱۱۱۹	۱۰۷۳۰۵	۱۰۰۵۴	۹۹۰۶۸	۹۱۹۹	۸۹۷۱۳	۷۹۰۹	۸۸۳۸۴	۰
۴۱۵۰	۳۲۲۶۰	۳۶۱۲	۳۱۵۹۵	۳۱۷۰	۲۹۹۳۳	۲۹۱۲	۲۷۰۶۶	۲۶۰۰	۲۶۳۷۸	-۱
۲۶۲۴	۱۸۹۵۹	۲۲۸۶	۱۸۶۵۲	۲۰۲۸	۱۷۶۱۶	۱۹۲۱	۱۶۲۱۱	۱۶۴۰	۱۵۷۹۰	-۲
۲۰۷۴	۱۴۱۴۹	۱۸۰۷	۱۳۶۱۴	۱۶۸۸	۱۳۳۱۶	۱۴۳۱	۱۲۰۳۰	۱۲۷۶	۱۱۷۸۳	-۳
۱۳۱۷	۸۵۲۲	۱۳۳۵	۸۲۷۳	۱۰۸۲	۷۷۵۶	۹۷۴	۷۰۰۰	۸۴۴	۶۹۹۰	-۴
۹۶۹	۵۸۶۳	۸۵۳	۵۷۸۰	۷۷۸	۵۵۳۴	۷۷۴	۵۱۲۵	۶۱۶	۵۰۰۸	-۵
۶۸۸	۴۰۹۲	۶۱۵	۳۹۷۳	۶۰۱	۳۷۹۳	۵۴۳	۳۵۷۷	۵۴۱	۳۵۵۵	-۶
۶۲۳	۳۱۸۷	۵۱۷	۳۰۱۲	۴۹۸	۳۰۳۸	۴۵۰	۲۷۳۵	۴۶۱	۲۸۲۶	-۷
۳۸۹	۲۰۲۵	۳۷۶	۱۹۶۴	۳۷۱	۱۸۶۳	۳۱۸	۱۷۴۲	۳۰۴	۱۷۴۴	-۸
۳۳۱	۱۴۷۹	۳۰۱	۱۴۵۴	۲۶۱	۱۳۷۴	۲۶۴	۱۳۳۹	۲۳۹	۱۲۳۳	-۹
۲۴۲	۱۰۳۲	۲۲۴	۱۰۵۵	۱۹۵	۱۰۲۱	۲۰۴	۹۰۵	۱۹۱	۹۶۲	-۱۰
۶۵۱	۲۲۴۰	۵۹۴	۲۳۱۹	۵۹۷	۲۳۴۹	۵۴۱	۲۰۹۱	۵۳۲	۲۱۳۷	-(۱۱-۱۵)
۱۷۵	۶۲۷	۱۹۱	۶۴۱	۱۸۱	۵۷۶	۱۷۹	۵۷۸	۱۵۷	۵۳۶	-(۱۶-۲۰)
۲۲۶	۹۷۲	۲۱۲	۹۶۰	۱۴۳	۵۱۹	۱۳۸	۵۱۵	۱۳۳	۶۰۲	بیش از ۲۰ سال کوچکتر
۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	۱۱۰۵۱۰	۸۸۱۵۹۲	۹۹۸۵۲	۸۴۱۱۰۷	۹۴۰۴۰	۷۸۸۲۹۱	۸۴۲۴۱	۷۸۷۸۱۸	جمع

مأخذ: همان.

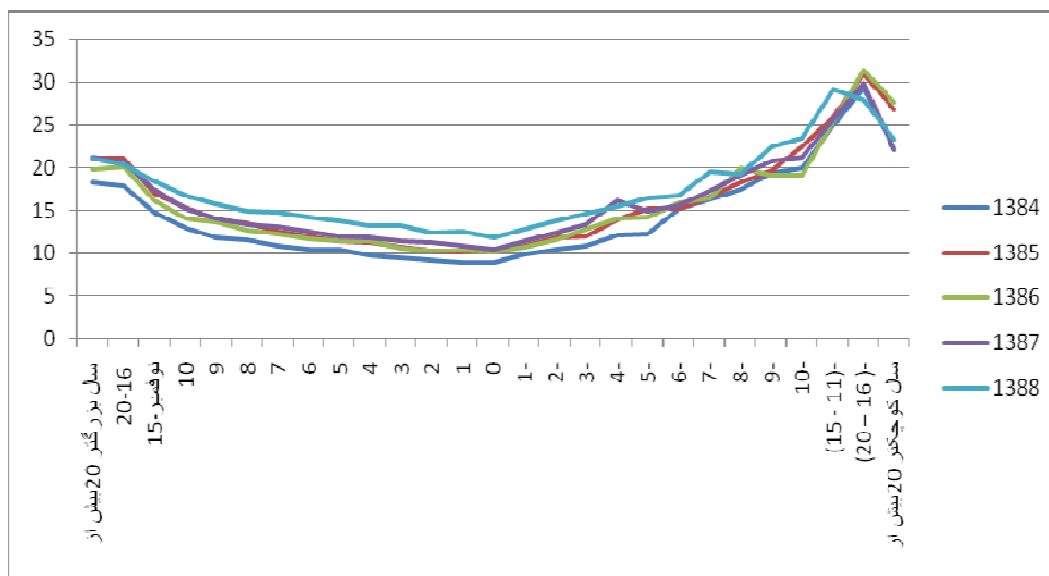


جدول ۶. نسبت طلاق به ازدواج بر حسب اختلاف سنی زوج از زوجه در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

اختلاف سن	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
بیش از ۲۰ سال	۱۸/۲	۲۱/۱	۱۹/۸	۲۱/۱	۲۱/۰
۱۶-۲۰	۱۷/۸	۲۱	۲۰	۲۰/۶	۲۰/۴
۱۵-۱۱	۱۴/۸	۱۷	۱۶/۱	۱۷/۴	۱۸/۴
۱۰	۱۲/۹	۱۵/۳	۱۴/۰	۱۵/۱	۱۶/۸
۹	۱۱/۹	۱۳/۹	۱۳/۶	۱۴/۰	۱۵/۸
۸	۱۱/۵	۱۳/۴	۱۲/۶	۱۳/۳	۱۵/۰
۷	۱۰/۹	۱۲/۵	۱۲/۲	۱۳/۱	۱۴/۸
۶	۱۰/۵	۱۱/۹	۱۱/۶	۱۲/۵	۱۴/۲
۵	۱۰/۵	۱۱/۳	۱۱/۴	۱۲/۰	۱۳/۸
۴	۹/۷	۱۱/۲	۱۱/۳	۱۱/۸	۱۳/۳
۳	۹/۵	۱۰/۶	۱۰/۵	۱۱/۴	۱۳/۳
۲	۹/۲	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۱/۲	۱۲/۵
۱	۸/۹	۱۰/۱	۱۰/۳	۱۰/۸	۱۲/۶
۰	۸/۹	۱۰/۳	۱۰/۱	۱۰/۴	۱۱/۹
-۱	۹/۹	۱۰/۸	۱۰/۶	۱۱/۴	۱۲/۹
-۲	۱۰/۴	۱۱/۸	۱۱/۵	۱۲/۳	۱۳/۸
-۳	۱۰/۸	۱۱/۹	۱۲/۷	۱۳/۳	۱۴/۷
-۴	۱۲/۱	۱۳/۹	۱۴/۰	۱۶/۱	۱۵/۵
-۵	۱۲/۳	۱۵/۱	۱۴/۱	۱۴/۸	۱۶/۵
-۶	۱۵/۲	۱۵/۲	۱۵/۸	۱۵/۵	۱۶/۸
-۷	۱۶/۳	۱۶/۵	۱۶/۴	۱۷/۲	۱۹/۵
-۸	۱۷/۴	۱۸/۳	۱۹/۹	۱۹/۱	۱۹/۲
-۹	۱۹/۴	۱۹/۷	۱۹/۰	۲۰/۷	۲۲/۴
-۱۰	۱۹/۹	۲۲/۵	۱۹/۱	۲۱/۲	۲۳/۴
-(۱۱-۱۵)	۲۴/۹	۲۵/۹	۲۵/۴	۲۵/۶	۲۹/۱
-(۱۶-۲۰)	۲۹/۳	۳۱	۳۱/۴	۲۹/۸	۲۷/۹
بیش از ۲۰ سال کوچکتر	۲۲/۱	۲۶/۸	۲۷/۶	۲۲/۱	۲۳/۳

مأخذ: همان.

نمودار ۵. نسبت طلاق به ازدواج برحسب اختلاف نسبی زوج به زوجه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸

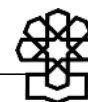


۱-۶. وضعیت طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸^۱

یکی دیگر از شاخص‌های مهم در حوزه طلاق، میزان تداوم ازدواج‌هاست. به بیان دیگر تعداد سال‌هایی که ازدواج‌های منجر به طلاق تداوم یافته‌اند، می‌تواند نشانگر نکات قابل تأملی در باره این پدیده باشد. هرچه تداوم ازدواج‌ها کمتر باشد، منطقاً می‌تواند به معنای عمق و بحران پدیده مورد مطالعه باشد، زیرا در سال‌های اولیه زندگی به دلیل عشق و علاقه زوج‌ها نسبت به یکدیگر موارد اختلاف‌زا چندان بروز نمی‌کند و زوج‌ها در این دوره چندان معایب یکدیگر را نمی‌بینند و یا توجهی به آن ندارند، اما با گذشت زمان و همچنین کاهش عشق و علاقه اختلاف‌های زوج‌ها بیشتر می‌شود. جدول ۷ فراوانی و درصد طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۵ میانگین طول مدت ازدواج‌های منجر به طلاق ۶/۲۶ سال، در سال ۱۳۸۶ حدود ۶/۲۴، در سال ۱۳۸۷ نزدیک به ۶/۲۷ سال است در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۴/۸۹ کاهش می‌یابد^۲. کاهش معنادار متوسط تداوم ازدواج‌های منجر به طلاق در سال ۱۳۸۸ نشان از بحرانی‌تر شدن این پدیده دارد. خصوصاً اگر به این موضوع توجه داشته باشیم که در تمام سال‌های مورد مطالعه نزدیک یک‌سوم طلاق‌ها نتیجه حداکثر سه سال زندگی مشترک بوده‌اند. حال اگر طولانی بودن فرآیند طلاق به لحاظ حقوقی در کشور را مد نظر قرار دهیم (گاه این فرآیند به ۲

۱. آمار تعداد طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج قبل از سال ۱۳۸۵ در سالنامه‌های آماری موجود نمی‌باشد.

۲. جهت محاسبه میانگین طول مدت ازدواج میانگین گروه‌های طبقات محاسبه شده است، مثلاً ۱ تا ۲ سال ۱/۵ یا ۴ تا ۱۰ سال ۷ سال لحاظ شده است و کمتر از ۱ سال، ۱ سال و ۱۵ سال و بیشتر نیز ۱۵ لحاظ شده است.



سال می‌رسد) وضعیت بغرنج‌تر می‌شود. به این معنا که احتمالاً اکثر طلاق‌هایی که در کمتر از سه سال زندگی مشترک رخ داده اند، از همان سال اول ازدواج، طلاق عاطفی در مورد آن اتفاق افتاده است. نکته قابل تأمل دیگری که باید به آن اشاره داشت آن است که متأسفانه نزدیک به ۱۵ درصد طلاق‌ها در طول سال‌های مورد مطالعه مربوط به زوج‌هایی بوده است که حداقل ۱۵ سال زندگی مشترک داشته‌اند. اهمیت این موضوع از آن رو است که به لحاظ علمی معمولاً اگر ازدواج‌ها یک دهه مداوم بیابند امکان طلاق در آنها بسیار کم می‌شود، زیرا ۱۵ سال زندگی مشترک، معمولاً اشتراکات و همسانی‌هایی در حوزه‌های مختلف در بین زوج‌ها به وجود می‌آورد و این همسانی‌ها معمولاً موجب علقه در بین طرفین می‌شود و در نتیجه از میزان طلاق‌ها می‌کاهد. با این حال نباید از نظر دور داشت که برخی از طلاق‌های این دسته از زوج‌ها می‌تواند ناشی از عدم فرزندآوری باشد.

جدول ۷. تعداد طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸

۱۳۸۸		۱۳۸۷		۱۳۸۶		۱۳۸۵		طول مدت ازدواج
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۱۲۵۷۴۷	۱۰۰	۱۱۰۵۱۰	۱۰۰	۹۹۸۵۲	۱۰۰	۹۴۰۴۰	جمع
۱۵/۰۴	۱۸۹۱۴	۱۵/۸۶	۱۷۵۲۶	۱۵/۷۱	۱۵۶۸۴	۱۶/۳۰	۱۵۳۳۱	کمتر از ۱ سال
۱۳/۲۹	۱۶۷۱۷	۱۳/۱۱	۱۴۴۸۵	۱۳/۶۴	۱۳۶۱۵	۱۳/۸۱	۱۲۹۸۶	۱ تا ۲ سال
۹/۴۸	۱۱۹۱۶	۱۰/۱۴	۱۱۲۰۳	۱۰/۳۰	۱۰۲۸۶	۱۰/۱۰	۹۴۹۹	۲ تا ۳ سال
۸/۱۳	۱۰۲۲۴	۸/۴۲	۹۳۰۷	۸/۱۸	۸۱۶۴	۸/۱۲	۷۶۳۵	۳ تا ۴ سال
۲۸/۷۱	۳۶۱۰۸	۲۸/۳۰	۳۱۲۷۶	۲۸/۰۸	۲۸۰۳۸	۲۶/۸۱	۲۵۲۱۵	۴ تا ۱۰ سال
۹/۹۱	۱۲۴۵۷	۹/۷۰	۱۰۷۱۶	۹/۷۴	۹۷۲۸	۱۰/۱۰	۹۴۹۶	۱۰ تا ۱۵ سال
۱۵/۴۲	۱۹۳۹۴	۱۴/۴۸	۱۵۹۹۷	۱۴/۳۶	۱۴۳۳۷	۱۴/۷۶	۱۳۸۷۸	۱۵ سال و بیشتر
۴/۸۹		۶/۲۷		۶/۲۴		۶/۲۶		میانگین طول مدت ازدواج (سال)

مأخذ: همان.

جمع‌بندی بررسی فرآیندی طلاق در دهه اخیر

در این بخش وضعیت طلاق در کشور در دهه اخیر مورد بررسی قرار گرفت و نسبت طلاق به ازدواج، نرخ رشد طلاق، نسبت طلاق به ازدواج در استان‌های کشور، نرخ رشد طلاق در استان‌های کشور، میزان طلاق بر حسب اختلاف سنی زوج به زوج و همچنین تعداد طلاق ثبت شده بر حسب طول مدت ازدواج بررسی شد. در کل می‌توان گفت نسبت طلاق به ازدواج در کشور در این دوره روندی صعودی داشته است. علاوه بر افزایش نسبت یاد شده، نرخ رشد سالیانه آن نیز سال به سال افزایش یافته است. حتی این سرعت در جامعه روستایی که نسبت طلاق به ازدواج آن در

مقایسه با جامعه شهری بسیار پایین‌تر است، به مراتب بیشتر از جامعه شهری است. به همین دلیل انتظار می‌رود که نسبت یاد شده در جامعه روستایی هم در سال‌های آینده افزایش زیادی بیابد. نکته مهمی که باید به آن اشاره داشت آن است که نرخ رشد در استان‌هایی که در حال حاضر نسبت طلاق به ازدواج در آنها در حد پایینی قرار دارد نیز بالاست. بنابراین سرعت تحولات در این زمینه در استان‌های مذکور به مراتب بیشتر از استان‌هایی است که نسبت بالایی را در زمینه طلاق به ازدواج تجربه می‌کنند. نسبت بالایی از ازدواج‌ها (نزدیک به ۱۲ درصد) حدود ۱۰ سال و بیشتر اختلاف سنی دارند. این درحالی است که هر چه اختلاف سنی افزایش می‌یابد، نسبت طلاق به ازدواج نیز افزایش می‌یابد. این رابطه نیز یک رابطه خطی است که شدت آن در اختلاف‌های سنی ناشی از بزرگ‌تر بودن زوجه به زوج بیشتر است. گذشته از آن تداوم ازدواج‌های منجر به طلاق در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال‌های قبل کاهش نسبتاً زیادی یافته و به ۴/۸۹ سال رسیده است. گذشته از آن در حدود یک‌سوم از ازدواج‌های منجر به طلاق حاصل کمتر از سه سال زندگی مشترک بوده‌اند.

۲. طلاق از نظر اسلام

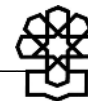
بدون تردید درک نگاه اسلام به مسئله طلاق بدون درک نگاهی که اسلام به خانواده دارد چندان امکان‌پذیر نیست. در دیدگاه اسلام، اقدام به تشکیل خانواده، ساختن دوست‌داشتنی‌ترین سازمان اجتماعی است.^۱ شاید به این دلیل که خانواده برای تحقق آرمان‌های مطمح نظر اسلام، ویژگی‌هایی بدیل‌ناپذیر دارد و نباید با نگاهی کارکردگرایانه گمان کرد می‌توان در بستر زمان، کارکردهای خانواده را به دیگر نهادها واگذاشت و از اهمیت آن کاست. در نگاه اسلام، ازدواج، مسیر دینداری را هموار می‌سازد.^۲ هم‌ازاین‌رو است که از نظر اسلام تأخیر در ازدواج به سبب ترس از تنگدستی، بدگمانی به خداوندی است که خود به ازدواج‌کنندگان وعده حمایت داده است.^۳ از نظر اسلام اهمیت خانواده به حدی است که بهترین قدم‌ها، گام‌هایی هستند که در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی برداشته شوند و بدترین گام‌ها، قدم‌هایی هستند که در مسیر جدایی به راه افتند.^۴

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴، ح ۲۴۹۰۱ به نقل از محمدرضا زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در ایران، در: مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، به کوشش سیدجعفر حق‌شناس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تابستان ۱۳۸۸ ص ۴۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. همان، ص ۴۸.



در این نگاه، مرد عهده‌دار سرپرستی خانواده است. این ساختار نه در بستر زمان بدیل‌پذیر است و نه سرپرست خانواده می‌تواند مسئولیت خود را واگذارد یا در قبال آن تسامح ورزد.^۱ پیش‌نیاز اعمال سرپرستی نیز اقتدار است. با این حال از آنجا که احساس اقتدار، می‌تواند زمینه‌های تعدی به اعضای خانواده را فراهم آورد، سازوکارهای حقوقی و فرهنگی برای مهار اقتدار پیش‌بینی شده است، اما چون خانواده عرصه‌ای خصوصی است که اغلب، اقامه دعاوی حقوقی، به دلیل رابطه عاطفی زن و شوهر به صلاح آن دانسته نمی‌شود، تأکید کرده‌اند که بیش از هر چیز، از روش‌های تربیتی و فرهنگی کنترل‌کننده بهره گرفته شود؛ چنان که برای مقابله با خشونت‌های خانگی، دو طرف به حسن خلق و مدارا،^۲ صبر و مهار خشم فراخوانده شده‌اند^۳ یا به این موضوع توجه شده است که نباید با ایجاد فشار روانی، عدم تمکین در برابر موقعیت و جایگاه طرف مقابل و سهل‌انگاری در انجام مسئولیت‌ها، زمینه‌های خشونت با خویش را فراهم ساخت.^۴

در نگاه اسلام آنچه که به تداوم خانواده و استحکام آن مدد خواهد رساند در وهله اول انتخاب درست در مقوله ازدواج است. به بیان دیگر گام نخست در افزایش کارایی و تداوم خانواده، برگزیدن افرادی است که شایستگی ایفای مسئولیت خود در خانواده را داشته باشند. افرادی که به حقوق و تکالیف زناشویی آشنا و بدان متعهد باشند. گذشته از آن تأکید بسیار زیادی بر «هم‌کفو» بودن زوجها شده است. از این رو سفارش شده است که «به هم‌شأن خود دختر دهید و از آنان دختر بگیرید». هم از این رو است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند که «از سبزه‌هایی که بر مزبله می‌روید، پرهیزید». پرسیدند: منظور از سبزه‌های مزبله چیست؟ فرمود: «زنان زیبارویی که در محیط بد پرورش یافته‌اند». یا تأکید شده است که هنگامی که خواستید دختر خویش را به ازدواج درآوردید، خوب دقت کنید که چه کسی دختر شریف شما را به رقیبت درمی‌آورد». همه این موارد نشان از نقش هم‌کفو بودن در تداوم زندگی خانوادگی و جلوگیری از طلاق دارد.^۵

درواقع از نظر اسلام ازدواج آمیزه‌ای از تعهد و اختیار است که البته پس از تشکیل خانواده بعد متعهدانه آن تقویت می‌شود. به همین دلیل زوجها باید به تکالیف خویش عمل کنند و برای حفظ پیوند خانوادگی جهدی بلیغ بورزند. گذشته از آن توصیه شده است که زوجها نسبت به هم تسامح

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۵۵، محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۴۲، ح ۲۷۸۱۴، به نقل از زیبایی‌نژاد، پیشین، ص ۴۸، به نقل از زیبایی‌نژاد، پیشین.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۴۷، ح ۹۹۵۹، ج ۳، ص ۷۲، ص ۴۸، به نقل از زیبایی‌نژاد، پیشین.

۳. ابوالقاسم پایدار، نهج‌الفصاحه، ص ۷۲۸، ح ۲۷۷۸ و محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۳، ح ۲۵۳۱۵، ص ۱۷۶، به نقل از محمدرضا زیبایی‌نژاد، ص ۹۹.

۴. محمدرضا زیبایی‌نژاد، پیشین، ص ۹۹.

۵. محمدرضا زیبایی‌نژاد، زن و خانواده در بازخوانی سنت پیامبر، در: مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، به کوشش سیدجعفر حق‌شناس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۹.

و مدارا بورزند، توقع‌ها را کم کنند، صبر و گذشت داشته باشند،^۱ در این نگاه ازدواج پیوندی مقدس است که دارای کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی ضروری است و طلاق فی‌نفسه امری منفور و ناپسند (دارای کراهت بسیار شدید). بنابراین زوجها باید تمام تلاش خود را برای پرهیز از طلاق به کار بندند، ولی در عین حال در مواردی که مصالح مهمتر ایجاب کند، ممنوعیتی برای طلاق آنها وجود ندارد؛ بر همین مبنا، در کتب روایی ما نیز دسته‌ای از روایات، پدیده طلاق را بسیار مبعوض و منفور معرفی کرده‌اند؛ در حالی که دسته دیگر طلاق را در شرایط خاصی مجاز و احياناً لازم دانسته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت اسلام، طلاق را به خودی خود مبعوض می‌شمارد و در جهت منصرف کردن افراد از آن، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد؛ با وجود این در مواردی که کارکردهای مطلوب خانواده با اختلالات جدی روبرو شود و ادامه زندگی مشترک، مفسدی بیش از پیامدهای منفی طلاق، به بار آورد، اسلام حکم به جواز یا رجحان و احياناً لزوم طلاق کرده است.^۲

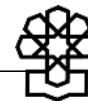
در کل از نظر اسلام اصل بر تداوم خانواده است و طلاق فی‌نفسه پدیده‌ای ناپسند است که البته تحت شرایطی اجازه آن صادره شده است در این نگاه اولاً ارجح است که تشکیل خانواده بر مبنای «هم‌کفو» بودن زوجها بنا شود، ثانیاً زوجها به تکالیف و مسئولیت‌های هم آشنا بوده و سعی در عمل بدان داشته باشند و ثالثاً برای بقای خانواده از خود ایثار و از خودگذشتی، نشان دهند، سعه‌صدر داشته باشند، بر هم دیگر خرده نگیرند و توقعات را از یکدیگر کم کنند و البته متقی و خداترس باشند. در این نگاه طلاق در خانواده‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که زوجها به تکالیف خود عمل نکند که البته این عدم عمل به تکالیف می‌تواند ناشی از عدم همسانی و تناسب وضعیت اجتماعی و خانوادگی زوجها، توقعات نابجای زوجها از یکدیگر، عدم رواداری و یا ناشی از ناپارسایی آنها باشد.

۳. فراتحلیل برخی مطالعات انجام شده در ایران در دهه اخیر

در بخش حاضر از گزارش پیش‌رو برخی از مطالعات انجام شده در ایران در ده ساله اخیر را که بیشتر در قالب پایان‌نامه‌های دانشگاهی و در دانشگاه‌های مختلف ایران انجام شده است، بررسی کرده و تلاش می‌شود با استفاده از نتایج آنها به چرایی پدیده طلاق در ایران پاسخ دهیم. بیشتر این مطالعات به دنبال بررسی علل و عوامل طلاق بوده‌اند، اما برخی از آنها نیز به این موضوع پرداخته‌اند که زنان چه نگرشی به مقوله طلاق دارند و چگونه با آن مواجه می‌شوند. مطالعات دسته اول

۱. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ح ۱۵۱۱۰۲۱۶۵، محمدبن حسن حر، ابوالقاسم پایدار، نهج الفصاحه، ص ۲۷۸، ح ۶۲۱، ص ۶۱۲، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳، ح ۲۴۹۳۰، به نقل از محمدرضا زیبایی‌نژاد، ۴۹.

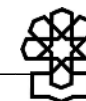
۲. حسین بستان (نجفی)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۳۳ به نقل از محمدرضا زیبایی‌نژاد، صص ۱۸۲-۱۸۳.



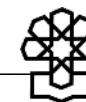
جمعاً ۶ پژوهش هستند که به علت‌شناسی طلاق می‌پردازند. پژوهش‌های دسته دوم دو پژوهش هستند که یکی به شیوه مواجهه زنان با پدیده طلاق و دیگری به نگرش به طلاق براساس میزان اعتماد اجتماعی می‌پردازد. مطالعات دسته اول در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ انجام شده‌اند که از میان آنها دو مطالعه در کل کشور و مابقی هر یک در یکی از شهرهای تهران، کرمانشاه، شیراز، سقز انجام شده‌اند. مطالعات دسته دوم هر دو در تهران انجام شده‌اند. مطالعات دسته اول را در جدول زیر براساس نام پژوهش، زمان اجرا، نوع روش مورد استفاده، جامعه و نمونه مورد مطالعه، نتایج، متغیرهای تأثیرگذار و راهکارهای ارائه شده تقسیم‌بندی کرده‌ایم.

جدول ۸. مقایسه برخی از پژوهش‌های انجام شده در ایران

نام پژوهش	سال	روش مطالعه	جامعه مورد مطالعه	حجم نمونه	نتایج	متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق	نوع تأثیر
بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اقدام به طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک	۱۳۸۹	پیمایش	دو گروه، آزمایشی: مجموعه افرادی با ۵ سال سابقه زندگی مشترک و متقاضی طلاق گواه: مجموعه افرادی با ۵ سال سابقه زندگی مشترک	۲۲۰ نفر - ۱۱۰ نفر گروه آزمایش و ۱۱۰ نفر گروه گواه	- ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با اقدام به طلاق	تفاوت‌های فرهنگی	افزایشی
					- ارتباط بین پایگاه اجتماعی و اقدام به طلاق	تفاوت‌های اجتماعی	افزایشی
					- بین دو گروه آزمایشی و گواه از نظر میزان دخالت دیگران تفاوت معناداری وجود دارد	دخالت اطرافیان	افزایشی
					- بین دو گروه آزمایشی و گواه از نظر میزان برآورده نشدن انتظارات طرفین وجود دارد	برآورده نشدن انتظارات طرفین	افزایشی
بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهرستان سقز با تأکید بر سرمایه اجتماعی (۱۳۷۵-۱۳۸۵)	۱۳۸۶	پیمایش از نوع پس‌رویدادی	۱. زنانی که در سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ ازدواج خود را ثبت کرده ولی طلاق گرفته‌اند و حداقل ۴ ماه و ده روز گذشته است ۲. زنانی که در سال ۱۳۷۵ تا	۳۸۰	- بین میزان همکاری اجتماعی و گرایش طلاق تفاوت معناداری وجود دارد	همکاری اجتماعی	کاهشی
					- بین میزان اعتماد و گرایش به طلاق تفاوت معناداری وجود دارد	اعتماد اجتماعی	کاهشی
					- بین محرومیت و گرایش به طلاق تفاوت معناداری وجود دارد	جامعه‌پذیری	کاهشی
					- تفاوت معناداری بین میانگین جامعه‌پذیری و گرایش به طلاق وجود دارد	محرومیت	افزایشی



نام پژوهش	سال	روش مطالعه	جامعه مورد مطالعه	حجم نمونه	نتایج	متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق	نوع تأثیر
			۱۳۸۵ ثبت کرده و ازدواج آنها پایدار مانده است				
بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور	۱۳۸۵	تحلیل ثانویه سالنامه آماری ثبت احوال و اطلاعات وزارت بهداشت	کل شهرستان‌های کشور	۲۳۰ شهرستان	- بین توسعه‌یافتگی و طلاق در ایران رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (با افزایش میزان توسعه‌یافتگی طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند)	توسعه‌یافتگی	افزایشی
					- با افزایش تحصیلات میزان طلاق هم کاهش می‌یابد	تحصیلات زنان (همسانی تحصیلات)	کاهشی
					- با افزایش میزان اشتغال زنان طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند	اشتغال زنان	افزایشی
					- با افزایش پیش‌رسی در ازدواج طلاق کاهش پیدا می‌کند	پیش‌رسی در ازدواج	کاهشی
					- با افزایش بعد خانوار طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند	بعد خانوار	افزایشی
					- تفاوت معناداری در میزان طلاق بین قومیت‌ها وجود دارد. میانگین طلاق در فارس‌ها ۹/۸۷، کرده‌ها ۱۲/۴۵، لرها ۹/۷۷ و در بین سایر اقوام ۶/۵۳ بوده است؛ که بیشترین میانگین مربوط کرده‌هاست و این تفاوت از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد	قومیت	افزایشی
- با افزایش باروری زنان طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند	باروری زنان	افزایشی					
بررسی علل و عوامل مرتبط با طلاق و جدایی در ایران	۱۳۸۵	تحلیل ثانویه با استفاده سرشماری ۱۳۸۵	۵۷۰۲۳۹ نفر زن و مرد در سطح کشور که از این تعداد ۵۶۵۰۹۱ نفر آنها همسر دار و	۲ درصد داده‌های نمونه در سطح فردی از سرشماری ۱۳۸۵	- احتمال طلاق برای زنان ۷ برابر بیش از مردان است	جنسیت	افزایشی
					- افراد ۳۹-۳۰ ساله بیش از سایرین در معرض طلاق قرار دارند	سن	متغیر
					- زنان دارای تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کمتر بیش از زنان بی‌سواد در معرض طلاق هستند	تحصیلات	افزایشی
						اشتغال (در جامعه روستایی)	کاهشی



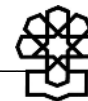
نام پژوهش	سال	روش مطالعه	جامعه مورد مطالعه	حجم نمونه	نتایج	متغیرهای تأثیرگذار بر طلاق	نوع تأثیر
					- افزایش ازدواج اجباری افزایش گرایش به طلاق را به همراه دارد - هرچه خشونت شوهر افزایش یابد گرایش به طلاق نیز بالا می‌رود		
تحلیلی جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)	۱۳۸۶	پیمایش	تمام زوجینی که در طی سال ۱۳۸۵ به مجتمع دادگاه خانواده شهر کرمانشاه مراجعه کرده یا به آنجا ارجاع داده شده بودند	۳۶۴ نفر	- افزایش برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر افزایش گرایش به طلاق را به همراه دارد - افزایش دخالت دیگران در زندگی زوجین گرایش به طلاق را افزایش می‌دهد - افزایش تصور مثبت از پیامدهای طلاق افزایش گرایش به طلاق را افزایش به همراه دارد - افزایش تفاوت سنی زوجین افزایش برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر را به همراه دارد - افزایش تفاوت تحصیلی زوجین افزایش برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر را به همراه دارد - افزایش تفاوت عقاید زوجین افزایش برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر را به همراه دارد	برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر دخالت دیگران	افزایشی
						تصور مثبت از پیامدهای طلاق	افزایشی
						تفاوت سنی زوجین	افزایشی
						تفاوت تحصیلی زوجین	افزایشی
						تفاوت عقاید زوجین	افزایشی

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که متغیرهای زیادی بر افزایش طلاق تأثیرگذار بوده‌اند، متغیرهایی چون: اشتغال زنان، اعتیاد یا مصرف مشروبات الکلی، برآورده نشدن انتظارات طرفین، بعد خانوار، پیش‌رسی در ازدواج، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت تحصیلی زوجین، تفاوت سنی زوجین، تفاوت‌های اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی (در کل ناهم‌کفو بودن زوج‌ها)، توسعه‌یافتگی شهرها، جامعه‌پذیری، دخالت اطرافیان، روستانشینی، فرزند داشتن، قومیت، محرومیت. گرچه کثرت و تنوع متغیرهای یاد شده عموماً ناشی از متفاوت بودن چارچوب‌های تئوریک مطالعات انجام شده است، با این حال متغیرهایی چون تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی یا ناهم‌کفو بودن زوج‌ها مهمترین متغیرهایی هستند که طلاق را تبیین می‌کنند. این متغیرها در نیمی (۵۰ درصد) از مطالعات به عنوان متغیرهای تأثیرگذار مورد توجه قرار گرفته‌اند. البته در بقیه مطالعات این متغیرها را از ابتدا مورد توجه قرار نداده‌اند به همین دلیل هیچ‌یک بعید نیست که اگر آن مطالعات نیز متغیرهای یاد شده را مطالعه می‌کردند، به همین نتایج می‌رسیدند. بعد از متغیرهای یاد شده تفاوت‌های سنی و دخالت اطرافیان مهمترین متغیرهایی هستند که در یک‌سوم مطالعات، متغیرهای اثرگذار بوده‌اند. برآورده نشدن انتظارات زوج‌ها از یکدیگر و اشتغال زنان نیز در یک‌چهارم مطالعات به عنوان متغیرهای تبیین‌کننده طلاق، شناسایی شده‌اند. سایر متغیرها صرفاً در یک مطالعه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با توجه به تحلیل نتایج مطالعات انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه بیش از همه چرایی طلاق‌ها را تبیین می‌کند، تفاوت‌هایی است که بین زوج‌ها خصوصاً از نظر فرهنگی، میزان تحصیلات و سن وجود دارد. به بیان دیگر هرچه تفاوت‌های یاد شده بیشتر باشد امکان جدایی زوج‌ها بیشتر می‌شود. اگر متغیر عدم برآورده شدن انتظارات از یکدیگر که در بسیاری از موارد می‌تواند ناشی از تفاوت‌های یاد شده باشد را مد نظر قرار دهیم، نقش و تأثیر تفاوت‌های یاد شده بیش از پیش اهمیت می‌یابد. دخالت اطرافیان و اشتغال زنان نیز متغیرهایی مهم در این حوزه هستند که البته در بسیاری از موارد دخالت اطرافیان می‌تواند به دلیل اشتغال زنان باشد.

نتایج مطالعه‌ای که به نگرش زنان و شیوه مواجهه‌ای که آنها با پدیده طلاق دارند نیز نشان می‌دهد که هرچه اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان در امور اجتماعی بیشتر باشد نگرش آنها نسبت به طلاق منفی‌تر است.^۱ نتایج مطالعه‌ای که به شیوه مواجهه زنان به پدیده طلاق پرداخته است نیز نشان می‌دهد که زنان به تدریج تابوی طلاق را درهم شکسته و تعریف جدیدی از خانواده ارائه

۱. کلثوم خزایی، رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق (مطالعه موردی زنان متأهل منطقه ۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۸.



داده‌اند که الزاماً با شاکله سنتی خانواده هسته‌ای مطابق نیست. آنها می‌خواهند در قالب معادله‌ای منطقی، با تبادل هزینه‌ها و فایده‌ها، در تعامل با دیگران باشند، به ویژه اگر این دیگری شریک دائمی زندگی‌شان باشد. این زنان با تردید در ادامه زناشویی به «هر قیمتی» از الگوی برساخته شده «خانواده خوشبخت» اسطوره‌زدایی می‌کنند. زنان دیگر طلاق را مساوی با فنا نمی‌دانند و در غالب موارد آن را مترادف رهایی‌گزارش می‌کنند و خود در ایجاد آن عاملیت دارند. خانواده و جامعه نیز با این پدیده با تساهل و تسامح بیشتری برخورد می‌کند و در بسیاری موارد آن را فاجعه نمی‌انگارند، بلکه گامی برای پیشگیری از وقوع فاجعه می‌دانند.^۱ ذکر این نکته ضروری است که تناقض ظاهری میان دو مطالعه اخیر به دلیل آن است که مطالعه اول به شیوه کمی و مطالعه دوم به روش کیفی انجام شده است. همچنین مطالعه اول در بین زنان متأهل و مطالعه دوم در بین زنان مطلقه انجام شده است. علاوه بر آن در مطالعه اول نگرش منفی نسبت به طلاق در بین زنانی که مشارکت اجتماعی دارند به دلیل آن است که ازدواج آنها مانع از مشارکت‌شان در امور اجتماعی نشده است.

۴. تحولات ساختاری جامعه و برنامه‌های توسعه

بررسی روند تحولات نشان از آن دارد که در دهه‌های اخیر، تحولات بسیاری در جامعه ما رخ داده است. تحولاتی که گرچه سویه‌های مثبت بسیاری داشته، اما پیامدهای ناخواسته‌ای داشته است که به بروز یا گسترش برخی آسیب‌های اجتماعی دامن زده است. نگاهی به برخی شاخص‌ها در این زمینه در طی سال‌های اخیر تا اندازه‌ای نشان‌دهنده این تحولات است.

میزان باسوادی از ۴۷/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۲ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است. نرخ باسوادی زنان نیز از ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۲/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۸۱ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است

پوشش آموزش عالی (جمعیت ۱۸-۲۴ سال) از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است. در واقع در شرایط امروز جامعه ایران حدود یک‌سوم جمعیت ۱۸ الی ۲۴ سال تحت پوشش آموزش عالی قرار دارند به طوری که جمعیت دانشجویی کشور در سال‌های اخیر از مرز ۳/۵ میلیون نفر گذشته است. این درحالی است که جمعیت دانشجویی کشور در سال ۱۳۷۳-۱۳۷۴ حدود ۴۷۸/۴۵۵ بوده است که ۳۰/۷۸ درصد زن و ۶۹/۶۲ درصد مرد بوده‌اند. در

۱. شهلا شرکت، زنان و طلاق در ایران: شیوه‌های مواجهه زنان با آثار و پیامدهای طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

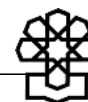
حالی که حجم غالب جمعیت عظیم دانشجویی فعلی را زنان تشکیل می‌دهند (نسبت جمعیت زنان از کل جمعیت دانشجویی نزدیک به ۶۰ درصد است). به همین منوال حجم تقاضا برای کار از سوی زنان افزایش یافته و در آینده نیز افزایش بیشتری خواهد یافت و حضور زنان در عرصه عمومی را افزایش خواهد داد. خصوصاً که نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است.

میزان شهرنشینی نیز از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۴/۳ درصد در سال ۱۳۶۵، ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۶۸/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. به بیان دیگر شهری شدن در حال بدل شدن به پدیده‌ای فراگیر در جامعه ایران است.

طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ تعداد ۱۲,۱۴۸,۱۴۸ مهاجرت رخ داده است. این در حالی است که طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ حدود ۸,۷۱۸,۷۷۰ و در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ حدود ۱,۸۷۲,۳۵۰ مهاجرت رخ داده است.

شاخص‌های یاد شده نشان‌دهنده تغییرات گسترده‌ای در جامعه ماست. اگر چه تغییرات یاد شده از یک نظر مثبت ارزیابی می‌شوند، اما دارای سویه‌های منفی نیز هستند. تغییرات یاد شده سبب شده‌اند که در کل مشارکت اجتماعی نیمی از جامعه (زنان) که مشارکت اندکی در حیات اجتماعی داشتند، افزایش یابد. افزایش مشارکت زنان خصوصاً در حوزه عمومی از یک طرف سبب گسترش حوزه تعاملی آنها شده و از سوی دیگر به دلیل دور شدن از فضای خانه، سبب شده است که امکان ایفای نقش‌های سنتی زنان در خانواده و ایجاد تعادل بین کارخانه و کار بیرون چندان امکانپذیر نباشد. این در حالی است که در بسیاری از موارد هنوز تلقی از زن و جایگاه آن براساس سنت فرهنگی، مرجع دانستن نقش خانوادگی زن بر نقش‌های اجتماعی اوست. پرواضح است که به دلیل تعارض یاد شده عدم تفاهم‌ها و ناسازگاری‌هایی بین زوج‌ها از این زاویه به وجود آید و در نهایت به گسترش پدیده طلاق دامن زند. بنابراین از یک منظر کلی و ساختاری گسترش پدیده طلاق را می‌توان در پرتو تحولات ساختاری در جامعه ایران تبیین کرد. تحولاتی که ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه را تا اندازه‌ای دگرگون کرده و زمینه بروز و یا گسترش برخی آسیب‌های اجتماعی را فراهم کرده است.

نکته مهمی که توجه به آن خالی از فایده نخواهد بود، نقشی است که برنامه‌های توسعه در ایجاد این تحولات داشته‌اند. برنامه‌های توسعه نقش بسیار مهمی در تحولات ساختاری جامعه ایران داشته و دارند. در قبل از انقلاب اسلامی این برنامه با اهداف مدرن‌سازی جامعه ایران تدوین می‌شد و در بعد از انقلاب تلاش شد تا براساس برنامه‌های که صبغه اسلامی داشت، مسیر تعالی و



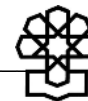
پیشرفت جامعه ایرانی هموار شود. از جمله موضوعات و اهدافی که در برنامه‌های بعد از انقلاب مورد توجه واقع شد نقش و جایگاه زنان (خصوصاً از نظر مشارکت اجتماعی) و خانواده در جامعه بود. به بیان دیگر در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب زنان به‌عنوان نیمی از جامعه مورد توجه قرار گرفتند. نگاهی به برنامه‌های توسعه از این حیث خالی از لطف نخواهد بود.

جدول ۹. توجه به زنان و مشارکت اجتماعی آنها در برنامه‌های توسعه

برنامه‌های توسعه	بندهای قانونی	محتوای بند یا ماده قانونی
برنامه اول توسعه		-----
برنامه دوم توسعه	جزء «۵» بند «۱» قسمت خطمشی‌های اساسی	تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به‌منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی‌سرپرست و معلولین، توسعه بیمه‌های اجتماعی و قراردادن همه اقشار مردم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی تا آخر برنامه دوم و پرداخت سهم سرانه دولت، مطابق ضوابط قانون بیمه خدمات درمانی
	جزء «۱۳» بند «۲» قسمت خطمشی‌های اساسی	مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن
برنامه سوم توسعه	ماده (۷۱)	شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان وظایف زیر را به‌عهده دارد: (ن) پیشنهاد برنامه‌های توسعه مشارکت زنان و جوانان به‌ویژه بسیجیان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به مراجع ذیربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه (ی) تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذیربط و تشکل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیئت وزیران در ۶ ماهه نخست سال اول برنامه
برنامه چهارم توسعه	ماده (۹۷)	دولت مکلف است، به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید: (ج) گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد، توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیررسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب
	ماده (۹۸) - بند «ه»	تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذیربط
	ماده (۱۰۹) - بند «د»	تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان

محتوای بند یا ماده قانونی	بندهای قانونی	برنامه‌های توسعه
گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیررسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب)	ماده (۱۰۱) - بند «ج»	
توانمندسازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی لازم جهت شکل‌گیری فعالیت واحدهای تعاونی	ماده (۱۰۲) - بند «الف»	
دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد: الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان، د) تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی، تبصره - کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف هستند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنهاست در لویح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند	ماده (۱۱)	
دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید	ماده (۲۳۰)	برنامه پنجم توسعه

همان‌طور که ملاحظه شد به غیر از برنامه اول در سایر برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب به مشارکت اجتماعی زنان توجه شده است. شاخص‌هایی عملکردی که نکرشان در ابتدا آمد نیز نشان از آن دارد که حداقل بخشی از تحولات یاد شده را می‌توان منتسب به اجرای برنامه‌ها دانست. البته نباید از نظر دور داشت که در برنامه‌های یاد شده به نوعی تقویت بنیان خانواده مد نظر قرار گرفته و به پیشگیری از آسیب‌های احتمالی معطوف به حوزه خانواده و زنان توجه شده است. برای مثال



در برنامه توسعه دوم در بند «۱۰» جزء دوم خط‌مشی‌های اساسی به «حفظ قداست خانواده» توجه شده است. در همان قسمت در بند «۱۳» نیز به حفظ «شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن» اشاره شده است. در برنامه چهارم نیز تقویت بنیان خانواده در ماده (۹۷) و (۱۰۶) مورد توجه قرار گرفته و حتی در بند «ب» ماده (۱۱۱) به دولت «تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذیصلاح» تکلیف شده است. اما نکته در اینجاست که براساس گزارش عملکرد دولت، چندان اقدام مهمی در این زمینه انجام نشده است و حتی لایحه تقویت خانواده در آخر برنامه چهارم به تصویب رسیده است.

بنابراین باید به این نکته توجه داشت که اگر چه برنامه‌های توسعه دارای پیامدهای مثبت بسیاری هستند، اما پیامدهای ناخواسته‌ای دارند که توجه به آنها و اتخاذ سازوکارهایی برای جلوگیری از پیامدهای منفی و یا کاهش آن اهمیتی ضروری دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این گزارش درصدد بود تا به بررسی پدیده طلاق در ایران از طریق مطالعات انجام شده بپردازد و ضمن نشان دادن ابعاد و سویه‌های مختلف پدیده مورد نظر به این پرسش که طلاق در ایران به چه دلایل و یا علت‌هایی رخ می‌دهند پاسخ گوید. بررسی فرآیندی پدیده مذکور نشان از آن دارد که نسبت طلاق به ازدواج در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه ۱۳۷۰ رشد بسیاری یافته است. به طوری که این نسبت از ۸/۷۶ در دهه ۱۳۷۰ به ۱۴/۱۳ در سال ۱۳۸۸ رسیده است. این نسبت در کلان‌شهری همانند تهران ۲۵/۶ درصد است. در شهری همچون تهران در سال ۱۳۸۸ در ازای هر ۱۰۰ ازدواج ۲۵/۶ طلاق رخ داده است. در واقع تهران در طول دوره مورد مطالعه همواره بالاترین نسبت را در این زمینه داشته است. البته این وضعیت فقط مختص تهران نیست. در کنار تهران، استان‌های کرمانشاه، قم و کردستان نیز در طول این سال‌ها به ترتیب بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در کشور را تجربه کرده‌اند.

از سوی دیگر در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و ایلام همواره کمترین نسبت طلاق به ازدواج را در کشور داشته‌اند. به‌طور مثال در سال ۱۳۸۸ استان سیستان و بلوچستان به ازای هر ۱۰۰ ازدواج ۳/۶۳ طلاق رخ داده که کمترین نسبت طلاق در بین استان‌های کشور است. با وجود این، این استان‌ها نیز در این سال‌ها با وجود اینکه نسبت طلاق به ازدواج کمتری داشته‌اند، نرخ رشد زیادی را در زمینه طلاق به ازدواج تجربه کرده‌اند. در واقع بیشترین نرخ متوسط رشد در دوره مورد مطالعه مربوط به استان‌های

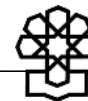
ایلام (۲۶/۶۷)، چهارمحال و بختیاری (۱۹/۶۴)، اصفهان (۱۷/۷۶) و یزد (۱۵/۷۱) و کمترین نرخ رشد متوسط مربوط به استان‌های کرمانشاه (۶/۱۵) و همدان (۷/۷۹) است. علیرغم اینکه در برخی استان‌ها همانند چهارمحال و بختیاری و ایلام نسبت طلاق به ازدواج در آنها کمتر از بقیه استان‌ها بوده است، اما نرخ رشد در آنها بالاتر از سایر استان‌ها بوده است. به طوری که در استان ایلام در دوره مورد مطالعه به طور متوسط سالیانه نرخ طلاق بیش از یک چهارم افزایش یافته است. در استان چهارمحال و بختیاری نیز سالیانه به طور متوسط حدود یک پنجم به طلاق‌ها افزوده شده است. این وضعیت حتی در مورد سیستان و بلوچستان نیز صادق است. در این استان نیز گرچه نسبت طلاق به ازدواج به طور متوسط ۴/۴۳ است، اما نرخ رشد آن به طور متوسط ۱۵/۶۳ است.

در کل در دهه ۱۳۸۰ (از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸) متوسط نرخ رشد سالیانه طلاق در جامعه شهری ۹/۳۹، در جامعه روستایی ۱۴/۷۷ و متوسط نرخ رشد کل کشور ۹/۶۳ درصد بوده است. مقایسه نرخ رشد طلاق جامعه شهری با جامعه روستایی نشان از شدت افزایش نرخ رشد طلاق در جامعه روستایی دارد. گرچه نسبت طلاق به ازدواج در شهرها به مراتب بیشتر از روستاهاست، اما سرعت رشد طلاق در روستاها بسیار بیشتر از شهرهاست.

علاوه بر افزایش نرخ و نسبت طلاق به ازدواج، متوسط طول دوره زندگی مشترک زوج‌هایی که طلاق گرفته‌اند، از ۶/۲۶ سال در سال ۱۳۸۵ به ۴/۸۹ در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است. این درحالی است که در تمام سال‌های مورد مطالعه، نزدیک به یک سوم طلاق‌ها نتیجه حداکثر سه سال زندگی مشترک بوده‌اند. اگر طولانی بودن فرآیند طلاق را مد نظر قرار دهیم وضعیت وخیم‌تر می‌شود. گذشته از آن نزدیک به ۱۵ درصد طلاق‌ها مربوط به زوج‌هایی بوده است که حداقل ۱۵ سال زندگی مشترک داشته‌اند.

نتایج نشان از آن دارد که نسبت طلاق به ازدواج در ازدواج‌های با اختلاف سنی بالا بیشتر است. این وضعیت در مورد اختلاف سنی زوج به زوج شدیدتر هم است. در کل نتایج نشان می‌دهد که طلاق در جامعه ایران امروز تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است و هر ساله بر شدت آن نیز افزوده می‌شود و گستره آن نیز به جامعه روستایی کشیده شده است. سرعت افزایش آن نیز در روستاها به مراتب بیشتر از شهرهاست.

به لحاظ نظری علت طلاق را باید در ناسازگاری زوج‌ها دانست که البته خود می‌تواند ناشی از عوامل و علت‌هایی متفاوتی باشد. ناسازگاری مذکور می‌تواند از ناهمسانی‌های زوج‌ها یا عدم هم‌کفو بودن از نظر اجتماعی (ناهمسانی در مرتبه اجتماعی که می‌تواند ناشی از قومیت، مذهب، جایگاه در نظام قشربندی، شغل و... باشد)، فرهنگی (تعلق داشتن به خرده‌فرهنگ‌های مختلف و عدم سنخیت فرهنگی،



تفاوت‌های ارزشی)، روانی (عدم تناسب زوج‌ها از نظر ویژگی‌های روانی)، فیزیکی (به لحاظ ظاهر فیزیکی زوج‌ها با هم تفاوت داشته باشند) و مسائل اقتصادی و حتی مسائل جنسی باشد.

فرا تحلیل برخی مطالعات انجام شده در دهه اخیر نیز نشان می‌دهد که تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی (عدم هم‌کفوی) مهمترین عواملی هستند که طلاق را تبیین می‌کنند. بعد از عوامل یاد شده تفاوت‌های سنی و دخالت اطرافیان، برآورده نشدن انتظارات زوج‌ها از یکدیگر و اشتغال زنان عواملی هستند که حجم زیادی از طلاق‌ها در ایران را تبیین می‌کند. این درحالی است که براساس برخی مطالعات انجام شده، نگرش زنان و شیوه مواجهه آنها با پدیده طلاق متفاوت شده است، زنان نگاه متفاوتی به طلاق پیدا کرده و تعریف جدیدی از خانواده ارائه داده‌اند که در آن جایگاه سنتی مرد را نمی‌پذیرند و حقی همسان با مرد برای خود در خانواده قائلند.

نتایج متغیرهای اجتماعی و فرهنگی یا عدم هم‌کفوی زوج‌ها را نسبت به متغیرهای دیگر تعیین‌کننده‌تر می‌داند. البته این سخن به معنای نادیده گرفتن متغیرهای اقتصادی نیست. توجه به متغیرهای یاد شده (تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، تحصیلی، سنی، دخالت اطرافیان، برآورده نشدن انتظارات زوج‌ها از یکدیگر و اشتغال زنان) نشان می‌دهد که احتمالاً این متغیرها همواره در زندگی زناشویی به نوعی بروز و نمود داشته‌اند، اما کمتر طلاق را دامن می‌زده‌اند. اما امروزه این متغیرها به دلیل تحولات ساختاری جامعه ایران، متغیرهایی اساسی در تبیین طلاق به‌شمار می‌روند. بررسی تحولات ساختاری در جامعه ایران نشان از تحولاتی گسترده دارد. در چند دهه اخیر جامعه ایران به تدریج به یک جامعه شهری تبدیل شده و شهرنشینی و شهرگرایی به پدیده‌ای فراگیر بدل شده است. تحولات گسترده‌ای در حوزه آموزش و آموزش عالی به وقوع پیوسته است. مهاجرت‌های گسترده‌ای رخ داده و بافت نسبتاً همگون بسیاری از شهرها را ناهمگون ساخته است. پرواضح است که تحولات یاد شده پیامدهای ناخواسته و ناگواری نیز دربر خواهد داشت که افزایش طلاق یکی از آنها خواهد بود. بنابراین با یک نگاه ساختارگرایانه پدیده‌ای همانند طلاق را باید به تحولات ساختاری جامعه منتسب کرد. تحولاتی که زنان به‌عنوان نیمی از اعضای جامعه را به حوزه عمومی وارد ساخته و توقع و انتظار مشارکت احتمالی از آنان دارد، ولی مکانیسم‌های قابل اتکایی برای جبران پیامدهای ناشی از آن طراحی نکرده است. نکته قابل توجه و تأمل نیز آن است که در برنامه‌های توسعه توجهی جدی به ایجاد تحولات یاد شده، شده است درحالی که به پیامدهای آن توجهی جدی نشده است.

بنابراین حل مشکلات مذکور می‌تواند تا اندازه‌ای از میزان طلاق‌ها بکاهد. با این حال نباید از نظر دور داشت دوام خانواده در یک جامعه اسلامی منوط به حاکم بودن اخلاق در روابط خانوادگی و ابتنای خانواده بر نظامی اخلاقی است.

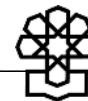
راهکارها

واقعیت آن است که در کوتاه‌مدت چندان نمی‌توان اقدام مهمی در این زمینه انجام داد، زیرا انجام اقدامی اساس در این زمینه نیازمند داشتن برنامه مشخص و طولانی‌مدت است. با این حال توجه به نکات زیر تا اندازه‌ای می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

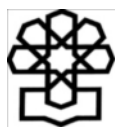
۱. طراحی مکانیسم‌هایی در برنامه توسعه برای کاهش پیامدهای ناخواسته برنامه‌ها.
۲. اطلاع‌رسانی و آموزش به خانواده‌ها مبنی بر پیامدهای نابجای دخالت در زندگی زناشویی فرزندان. البته این سخن به معنای رها کردن فرزندان نیست، بلکه تأکید بر راهنمایی و هدایت فرزندان توسط والدین بجای دخالت در زندگی آنهاست.
۳. اطلاع و آموزش به جوانان در خصوص پیامدهای منفی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و عدم هم‌کفوی زوج‌ها در زندگی زناشویی.
۴. اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق و تکالیف زوج‌ها نسبت به هم براساس آموزه‌های اسلامی.
۵. طراحی مکانیسمی برای بیمه زنان خانه‌دار و شغل قلمداد کردن خانه‌داری.
۶. توجه جدی به آموزش‌های قبل از ازدواج و گسترده کردن دامنه آن.
۷. تقویت ابعاد اخلاقی نهاد خانواده و ترویج خانواده اخلاق‌محور.

منابع و مأخذ

۱. باقری، ریحانه. بررسی علل و عوامل مرتبط با طلاق و جدایی در ایران (براساس سرشماری ۱۳۸۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲. بدار، لوک و دیگران. روانشناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران، نشر ساوالان، ۱۳۸۷.
۳. بستان، حسین. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳.
۴. بیگی، پروانه. بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهرستان سقز با تأکید بر سرمایه اجتماعی (۱۳۸۵-۱۳۷۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مددکاری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
۵. پایدار، ابوالقاسم. نهج‌الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم، جاویدان، تهران، ۱۳۷۶.
۶. پیران، پرویز. در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق، نشریه رونق، سال اول، ش ۱، ۱۳۶۹.
۷. جلیلیان، زهرا. عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵.
۸. حر عاملی، محمدبن‌حسن. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل‌البیت، لایحه التراث، قم، ۱۳۷۴.
۹. خدامرادی، حسام. بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.



۱۰. خزایی، کلثوم. رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق (مطالعه موردی زنان متأهل منطقه ۵)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
 ۱۱. ریاحی، محمداسماعیل و اکبر، علیوردی‌نیا و سیاوش، بهرامی کاکاوند. تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به طلاق، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۳، زمستان ۱۳۸۶.
 ۱۲. زیبایی‌نژاد، محمدرضا. آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در ایران، در: مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، به کوشش سیدجعفر حق‌شناس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تابستان ۱۳۸۸.
 ۱۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، زن و خانواده در بازخوانی سنت پیامبر، در: مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، به کوشش سیدجعفر حق‌شناس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تابستان ۱۳۸۸.
 ۱۴. سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸.
 ۱۵. سگالن، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
 ۱۶. سیف، سوسن. تئوری رشد خانواده. تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۸۶.
 ۱۷. شرکت، شهلا. زنان و طلاق در ایران: شیوه‌های مواجهه زنان با آثار و پیامدهای طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
 ۱۸. عنایت‌زاده، لیلا. تجربه زیسته زنانی که طلاق را تجربه کرده‌اند: یک مطالعه کیفی پدیدارشناختی (مطالعه موردی شهرستان سقز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
 ۱۹. غیاثی، پروین و لادن معین و لهراست، روستا. بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۹.
 ۲۰. قاسمی، هانیه. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر اقدام به طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مددکاری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹.
 ۲۱. گود، ویلیام. خانواده و جامعه، ترجمه ویدا صالحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۲.
 ۲۲. متلفت، حسین. بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱.
 ۲۳. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
 ۲۴. مرتون، رابرت. مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین تولایی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
 ۲۵. نوری، میرزاحسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
 ۲۶. ولی‌زاده، علی. پیوندها سست می‌شود وقتی ارزش‌ها در روابط خانوادگی رنگ ببازد، ۱۳۷۸.
27. Shryock, Henry, S. And Jacobs, Siegel And Associates, The Methods And Materials of Demography, Academic Press, INC, 1975.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۱۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل جامعه‌شناختی طلاق در ایران

نام دفتر: مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین‌کنندگان: فرهاد نصرتی‌نژاد، منصور دیهول

ناظران علمی: علی اخوان بهبهانی، رضا زمانی، محمدحسین ساعی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. طلاق

۲. ازدواج

۳. تحلیل جامعه‌شناختی

۴. نسبت طلاق به ازدواج

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۸/۲